

ارائه پیشنهادات برای بهبود اقتصاد کشور در فضای پساتحریم

- مقدمه: ۱.....
- ۱- بررسی اثر تحریم بر اقتصاد ایران..... ۱.....
- ۲- بررسی وضعیت صنایع کشور از حیث رقابتپذیری..... ۶.....
- ۳- تحلیل وضعیت بخش صنعت در اقتصاد کشور..... ۱۶.....
- ۴- برنامه جامع اقدام مشترک چه فرصتهایی را در اختیار اقتصاد ایران قرار میدهد؟..... ۲۱.....
- نتیجه گیری:..... ۳۲.....
- منابع و مأخذ:..... ۳۶.....

مقدمه:

ایران در مقوله مربوط به صنعتی شدن و حرکت در این مسیر در مقایسه با برخی از کشورها نظیر کره جنوبی پیش قدم تر بود اما در دستیابی به این هدف موفق نبوده است. در ناکامی مربوط به این هدف، عوامل بسیاری مؤثر است که در یک تقسیم بندی کلی به عوامل داخلی و خارجی قابل دسته بندی هستند. یکی از مهمترین عوامل خارجی که باعث شد تا ایران در بخشهایی از اقتصاد، دچار عقب ماندگی شود تحریم است که تحمیل آن بر ایران سابقه زیادی دارد که شرح آن در گزارش "بررسی و تحلیل وضعیت اقتصاد ایران در دوران قبل از تحریم، پس از تحریم و ارائه پیشنهاداتی برای پسا تحریم" ارائه شده است.

بهرحال تلاشهایی که از سال ۱۳۹۰ آغاز شده است و ابتکارهایی که دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی به کار گرفته است، شرایطی فراهم شده است تا تحریم و محدودیتهای اعمال شده بر ایران در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و گروه کشورهای ۵+۱ در بازه زمانی مندرج در متن آن و مکانیسمهایی که پیش بینی شده است، برداشته شود. با این وضعیت برای کلیه بخشهای اقتصاد کشور و از جمله صنعت فضای جدیدی ایجاد خواهد شد که بهره برداری از آن به تدبیر و برنامه ریزی نیاز دارد. در این گزارش تلاش شده است تا در اقتصاد مشخص شود که به منظور بهره برداری از این فرصت چه راهکارهایی را باید اتخاذ کرد؟

۱- بررسی اثر تحریم بر اقتصاد ایران

همان طوری که در گزارش "بررسی و تحلیل وضعیت اقتصاد ایران در دوران قبل از تحریم، پس از تحریم و ارائه پیشنهاداتی برای پسا تحریم" ارائه شده است، رشد اقتصاد ایران در حدود ۵۰ سال اخیر بسیار پرنوسان بود و متأسفانه روند آن نیز کاهشی بوده است. این وضعیت نشان دهنده این واقعیت است که اقتصاد ایران از یک بنیه بسیار ضعیفی برخوردار است و نقاط آسیب پذیر اقتصاد ایران بسیار گسترده است و شکنندگی اقتصاد کشور زیاد است. از طرف دیگر وضع تحریم فراگیر و چندجانبه از سال ۲۰۰۴ به بعد بر بخشهایی از اقتصاد اعمال شد که منجر گردید تا ایران بازار صادرات خود را از دست بدهد و به تبع این وضعیت، درآمدهای صادراتی نیز کاهش یابد و از طرف دیگر هزینه واردات انواع کالاها برای ایران افزایش یابد و کاهش سرمایه گذاری در بخشهای مختلف بوجود آید. خلاصه این که ضعف بنیه اقتصادی ایران که ریشه در عوامل ساختاری و

غیرساختاری بسیاری دارد و مدیریت بد حاکم بر اقتصاد از نیمه دهه هشتاد لغایت ابتدای دهه ۹۰ باعث گردید تا تحریم‌های اعمال شده بر ایران که شیوه آن از سال ۲۰۰۴ تغییر کرد، ایران را با مشکلات متعددی مواجه کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که غرب در اعمال تحریم بر ایران سابقه‌ای بیش از نیم قرن دارد و آغاز آن به ملی شدن صنعت نفت کشور برمی‌گردد. اما در یک دهه اخیر این تحریم‌ها از سوی غرب و نهادهای بین‌المللی شکلی فراگیر به خود گرفت و بر فعالیت صنعتی، تجاری، بانکی، بیمه‌ای، حمل و نقل و... گسترش پیدا کرد. در دوره جدید تحریم‌ها، ابتدا با وضع محدودیتهایی بر صنعت نفت و گاز در سال ۲۰۰۶ آغاز شد و بر اساس لایحه تحریم ایران^۱ (ISA) شرکتهای آمریکایی و دیگر شرکتهای خارجی از سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال در بخش انرژی ایران منع شدند. بدنبال آن بر اساس متمم لایحه جامع تحریم ایران^۲ (CISADA) که در جولای ۲۰۱۰ تصویب شد، سرمایه‌گذاری و مشارکت در احداث خطوط لوله‌های بخش انرژی در داخل یا به خارج از ایران را نیز شامل شد. بر این اساس فروش محصولاتی که به ساخت یا نگهداری خط لوله‌های مرتبط با بخش انرژی بود، ممنوع شد و آمریکا احداث خط لوله ایران-پاکستان را مشمول تحریم کرد.

در بخش انرژی به این موارد اکتفاء نشد و نهادهای مرتبط با فروش و صدور انرژی در لیست تحریم‌ها قرار گرفت و افراد یا مؤسساتی که با شرکت‌های ملی نفت، نفتکش ایران و نیکو (نفتیران) معامله می‌کردند، مشمول تحریم شدند. این باعث گردید تا شرکت نفت فلات قاره، شرکت ملی صادرات گاز ایران، شرکت مهندسی و توسعه نفت مشمول تحریم شوند و سرمایه‌گذاری در توسعه گاز ایران نیز مشمول تحریم گردد. در بخش فرآورده‌های نفتی و بنزین، کنگره آمریکا در قالب لایحه جامع تحریم ایران، متممی را به تصویب رساند که باعث شد تا عرضه کنندگان اصلی نفت از فروش تجهیزات مرتبط با تولید بنزین و فروش این فرآورده به ایران منع شوند. بر این اساس فروش سالیانه بیش از یک میلیون دلار بنزین، سوخت جت و سایر سوختها به ایران ممنوع شد.

در سال ۲۰۱۲ و براساس لایحه تحریم ایران، ارائه خدمات بانکی به ایران محدود شد و این باعث گردید تا فروش نفت و سایر محصولات پتروشیمی از ایران و انجام معامله برای شرکت ملی نفت و شرکت نیکو (نفتیران) غیر ممکن شود. در سال مذکور تحریم‌های ذیل به اجرا درآمد:

۱- منع مالکیت کشتی‌های انتقال نفت از ایران

۱- Iran Saction Act

۲- Comprehensive Iran Sanction, Accountability and Direstment Act

- ۲- منع مشارکت در سرمایه گذاریهای مشترک در زمینه توسعه نفت و گاز در داخل و خارج ایران
- ۳- منع مشارکت در سرمایه گذاریهای مشترک در حوزه اکتشاف، تولید و انتقال اورانیوم مرتبط با ایران
- ۴- منع فروش یا تسهیل در انتشار اوراق قرضه دولت ایران
- ۵- منع فروش تجهیزات تولید محصولات پتروشیمی به ایران
- ۶- منع بیمه یا تمدید بیمه تانکرها و نفتکش های ایرانی توسط شرکتهای بیمه بین المللی
- ۷- منع مبادلات کلان با سپاه پاسداران و مؤسسات مرتبط با آن

علاوه بر تحریم های فوق الذکر که توسط ایالات متحده آمریکا بر ایران تحمیل شد، در بخشهای پولی و مالی نیز بر بانک مرکزی ایران تحریم ها و محدودیتهایی وضع شد که منع انتقال درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت به بانک مرکزی، جلوگیری از ورود فیزیکی ارز، ممنوع شدن حداقل ۸۰ بانک خارجی با بانکهای ایرانی در نقل و انتقالات مالی، متوقف شدن دادوستد با ایران، مسدود شدن دارایی های بانک مرکزی ایران و سایر مؤسسات دولتی ایران در مؤسسات مالی آمریکا، منع شدن مردم آمریکا از معامله با مؤسسات ایرانی و حذف شدن بانکهای ایرانی و بانک مرکزی از جامعه ارتباطات میان بانکی جهانی^۱ (SWIFT) از جمله آنهاست. بدنبال رویکرد ایالات متحده که بدانها اشاره شد، پس از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در سازمان ملل متحد، رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران، به آمریکا نزدیکتر شد و در سال ۲۰۱۱ بریتانیا و کانادا اعلام کردند که با مؤسسات مالی از جمله بانک مرکزی ایران همکاری نخواهند کرد. پس از آن، اتحادیه اروپا رابطه مالی خود را با بانک مرکزی ایران مشمول تحریم کرد و در ژانویه ۲۰۱۲ منع انعقاد قرارداد نفتی با ایران و در جولای همان سال توقف و واردات نفت از ایران را تصویب کرد. این در حالی است که صادرات ایران به اتحادیه اروپا ۲۵ درصد کل صادرات نفت ایران که روزانه ۶۰۰ هزار بشکه بود را تشکیل داد. سپس بیمه نفتکش های حامل نفت و سایر محصولات پتروشیمی ایران را متوقف کرد و کشورهای اروپایی از معامله طلا، الماس و محصولات پتروشیمی با ایران منع شدند و کلیه دارایی های بانک مرکزی ایران در کشورهای مضبوط شد^۲. مجموعه این رفتارها نتایج زیر را بدنبال داشت:

۱-Society for worldwide Interbank Telecommunication Unication

۲- بخشهایی از مطالب این قسمت از مطالعه ای که اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران که در دی ماه ۱۳۹۳ با عنوان «مدیریت اقتصادی کشور در شرایط تحریم (چالش ها و راهبردها)» منتشر کرد، استفاده شده است.



۱- قطع ارتباط سوئیفتی با ایران: سازمان بلژیکی سوئیفت در راستای تصمیم اتحادیه اروپا برای تحریم ایران در فوریه ۲۰۱۲ معامله با بیش از ۱۸ بانک ایرانی را در لیست سیاه خود قرار داد و در مارس ۲۰۱۲ خدمات خود به ایران را به طور کامل قطع کرد.

۲- تحریم های تکمیلی اکتبر ۲۰۱۲:

- منع کلیه مبادلات میان بانک های ایرانی و اروپا
- منع ارائه اعتبارات، ضمانت ها و بیمه های صادراتی کوتاه مدت
- منع واردات گاز طبیعی از ایران
- منع صدور گرافیت، فلزاتی نظیر آلومینیوم و فولاد و نرم افزارهای صنعتی که قابلیت استفاده در برنامه های هسته ای یا موشکی ایران را دارند
- منع ارائه فناوری کشتی سازی، ذخیره و انبار نفت و خدمات مرتبط با نفتکش ها و باربرهای دریایی

با توجه به آنچه که تاکنون بیان شده است نشان می دهد که وضع تحریم بر ایران سابقه ای طولانی دارد ولی شیوه و گستره آن تغییرات زیادی کرد و از سال ۲۰۰۶ به صورتی فراگیر و جامع از سوی آمریکا، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و برخی دیگر از کشورهای هم پیمان آنها به ایران تحمیل شد و در این خصوص ائتلافی بین آنها شکل گرفت. بر این اساس ژاپن، کره جنوبی، هند، پاکستان، روسیه، چین، ترکیه، کشورهای حاشیه خلیج فارس، افغانستان، آمریکای لاتین و آفریقا به اعمال محدودیت و تحریم بر ایران پیوستند و هشدارها و تذکرات جدی از ایالات متحده آمریکا دریافت کردند. پس از آن برخی از شرکتهای غیرآمریکایی نظیر شرکت ABB سوئیس، شرکت زیمنس، شرکت دایملر، شرکت فیات، شرکت نوکیا و شرکت فرانسوی پژو یا از ایران خارج شدند و یا فعالیت خود را در ایران به حالت تعلیق درآوردند. تولیدکنندگان خودروهای کره ای و ژاپنی در اگوست و سپتامبر ۲۰۱۲ اعلام کردند که فروش خودروهای هیوندایی، کیاموتورز و تویوتا به ایران متوقف می کنند.

آنچه در این قسمت آمده است نشان می دهد که تحریم چند جانبه وضع شده بر ایران با وضع تحریم های یک جانبه از سوی ایالات متحده آمریکا در حدود ۴ دهه اخیر آغاز شد، تا این که در دهه اخیر این کشور توانست

سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای هم پیمان استراتژیک خود را نیز همراه خود کند و هزینه تحریم را برای ایران بیشتر کند. این تحریم ها در هفت بخش قابل طبقه بندی است^۱:

۱- ممنوعیت های واردات و صادرات کالاها و خدمات مشمول تحریم

۲- ممنوعیت های مالی

۳- ممنوعیت های حمل و نقل

۴- ممنوعیت های ترانزیت، پذیرش افراد و

۵- توقیف دارایی ها و منابع اقتصادی

۶- ممنوعیت علوم مرتبط با فناوری هسته ای

۷- مقررات عمومی و نهایی

در واقع با وضع تحریم های گوناگون، حجم صادرات ایران کاهش زیادی پیدا کرد و ایران بیش از نیمی از بازار خود را از دست داد و ارتباط ایران با برخی از کشورها به صورت ۱۰۰ درصد با آنها قطع گردید. در خصوص اثرات تحریم بر اقتصاد ایران می توان اینگونه توضیح داد که تحریم بر اقتصاد ایران دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بود. مهم ترین کانال تأثیرپذیری ایران از وضع تحریم ها، کاهش صادرات نفت خام ایران و به تبع آن کاهش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت خام بود که این باعث گردید درآمدهای ارزی ایران کاهش یابد، نرخ ارز تحت تأثیر قرار گیرد، قیمت مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و معدنی تحت تأثیر قرار گیرند. به طور کلی در مورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم بر اقتصاد ایران مطالب زیر قابل توجه است:

- کاهش ذخیره ارزی کشور: براساس تخمین اقتصاددانان صندوق بین المللی پول، ذخیره ارزی ایران می بایست از ۱۰۶ میلیارد دلار در پایان سال ۲۰۱۱، به ۸۰ میلیارد دلار در نوامبر ۲۰۱۲ کاهش یافته باشد. پیش بینی ها حاکی از آن است که با نرخ کاهش فعلی، ذخایر ارزی ایران تا جولای سال ۲۰۱۴ به پایان خواهند رسید. اجرای تحریم های وضع شده از ژانویه ۲۰۱۳ به دلیل کاهش توان ایران در بازگرداندن ارز فیزیکی حاصل از فروش نفت به داخل کشور، نرخ کاهش ذخایر را بیش از پیش افزایش می دهد.

- کسری بودجه: بودجه جاری یکی از مواردی است که دولت به دلیل سقوط درآمدهای نفتی در آن دچار مشکل شده است. بر اساس لایحه بودجه پیشنهادی دولت دهم، اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی یکی از سیاست‌های دولت برای کسری بودجه بود.

- کاهش سرمایه‌گذاری خارجی: بازارهای مالی و سرمایه‌ای ایران حتی پیش از اعمال تحریم‌ها عملکرد قابل‌اعتنایی در جذب سرمایه‌های خارجی نداشته‌اند. با این حال وضعیت کنونی در کنار ریسک بالای اقتصاد ایران باعث شده است، انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران وجود نداشته باشد.

البته موارد فوق، صرفاً آثار مستقیم تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران است و چنانچه آثار مستقیم این تحریم‌ها با راهبردهای کارا، اثربخش و به موقع، مدیریت نشوند، آثار غیر مستقیم آن بر پیکره اقتصاد ایران مستولی می‌شود. این پیامدهای غیرمستقیم اقتصادی که شدت و ضعف آن برآیند تأثیر دو نیروی تحریم و مدیریت اقتصادی است، عبارتند از:

- ۱- افزایش نرخ تورم
- ۲- سقوط ارزش پول ملی
- ۳- کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش نرخ بیکاری
- ۴- کاهش رشد اقتصادی
- ۵- کاهش صادرات و

با توجه به چنین آثار مستقیم و غیرمستقیمی که اعمال تحریم بر ایران بدنبال داشت، بد نیست که بدانیم وضعیت صنعت کشور از جنبه رقابت‌پذیری چگونه است. این موضوع در قسمت بعد مورد توجه قرار می‌گیرد. اهمیت این قسمت از آن جهت است که کشور به سمت فضایی در حال حرکت است که می‌تواند به اقتصاد جهانی برگردد، وضعیت صنعت کشور از نظر ورود به بازار جهانی در چه وضعیتی قرار دارد.

۲- بررسی وضعیت صنایع کشور از حیث رقابت‌پذیری

مطالعات نشان می‌دهد که در بین کشورهای در حال توسعه، ایران جزء کشورهای پیشگام در عرصه ورود به فعالیتهای صنعتی محسوب می‌شود و کشورهای نظیر کره جنوبی که هم اکنون در برخی از فعالیتهای صنعتی از

جایگاه مناسب و بالاتری از ایران برخوردار است، دیرتر از ایران، فعالیتهای صنعتی را آغاز کرده است. این وضعیت نشان دهنده این واقعیت است که ایران در رسیدن به اهداف توسعه صنعتی بعضاً با مشکلاتی مواجه است و وجود چنین مشکلاتی باعث گردید که ایران نتواند از جایگاه شایسته برخوردار گردد. در ناکامی این هدف عوامل بسیاری مؤثر هستند که پرداختن به آن وظیفه این نوشتار نیست و جا دارد در مورد آن مطالعه مستقلی انجام شود. اما یکی از مهم ترین دلایل مربوط به محقق نشدن هدف توسعه صنعتی کشور این است که ایران تلاش کرده است تا در عرصه های مختلف و متنوع فعالیت صنعتی وارد شود و این شیوه پیگیری هدف توسعه صنعتی با مقوله تقسیم کار و تخصصی برخورد کردن با موضوعات اقتصادی مغایرت دارد و بدون شک اتلاف منابع را بدنبال دارد.

این شیوه پیگیری هدف باعث گردید که ایران در بین حدود ۱۸۰ رشته فعالیت صنعتی، در بیش از ۱۴۰ نوع فعالیت با کد آیسک چهار رقمی وارد شود که وضعیت این نوع فعالیت به لحاظ رقابت پذیری و انحصاری بودن در جدول زیر ارائه شده است.

در این جدول HHI کمتر از ۱۰۰ معرف بازار رقابتی، HHI کمتر از ۵۰۰ معرف بازار نسبتاً رقابتی، HHI بین ۵۰۰ و ۱۰۰۰ بازار نسبتاً انحصاری و HHI بالاتر از ۱۰۰۰ شاخص بازار انحصاری در نظر گرفته می شود.

جدول ۱: وضعیت مربوط به توان رقابت پذیری صنایع ایران

کد چهار رقمی	نام فعالیت	تعداد بنگاه ها	شاخص هرفیندال	سهم بنگاه های برتر از بازار (درصد)		نوع بازار
				چهار بنگاه (۴C)	هشت بنگاه (۸C)	
۱۵۱۲	عمل آوری و حفاظت ماهی	۶۷	۳۸۶	۲۹/۱۸	۴۳/۸	نسبتاً رقابتی
۱۵۱۴	تولید روغن و چربی حیوانی و نباتی	۵۶	۱۰۵۱	۵۱/۲	۷۰/۴	انحصاری
۱۵۱۵	کشتار دام و طیور	۲۰۲	۲۰۳	۱۵/۹	۲۸/۸	نسبتاً رقابتی
۱۵۱۶	عمل آوری و حفاظت گوشت	۱۴۲	۳۷۲	۲۹/۹	۴۴/۲	نسبتاً رقابتی
۱۵۱۷	پاک کردن و درجه بندی و بسته بندی خرما	۴۷	۶۳۰	۴۰/۷	۵۶/۹	نسبتاً انحصاری
۱۵۱۸	پاک کردن و درجه بندی و بسته بندی پسته	۱۴	۲۷۶۹	۷۷/۹	۹۲/۶	انحصاری
۱۵۱۹	عمل آوری و حفاظت میوه ها و سبزیها	۲۶۶	۲۳۱	۲۲/۸	۳۵	نسبتاً رقابتی
۱۵۲۰	تولید فرآورده های لبنی	۲۵۶	۲۳۲	۲۲/۶	۳۵/۶	نسبتاً رقابتی
۱۵۳۱	آماده سازی و آرد کردن غلات و حبوبات	۲۹۸	۴۷۰	۳۴/۱	۵۲/۵	نسبتاً رقابتی



نوع بازار	سهم بنگاه های برتر از بازار (درصد)		شاخص هرفیندال	تعداد بنگاه ها	نام فعالیت	کد چهار رقمی
	چهار بنگاه (۴C)	هشت بنگاه (۸C)				
انحصاری	۷۱/۲۳	۵۲	۱۳۶۵	۳۰	تولید نشاسته و فرآورده های نشاسته ای	۱۵۳۲
نسبتاً رقابتی	۳۸/۹	۲۴/۵	۲۸۹	۱۰۰	تولید خوراک دام و حیوانات	۱۵۳۳
نسبتاً رقابتی	۴۲/۹	۲۴/۹	۳۵۷	۷۱	تولید قند و شکر	۱۵۴۲
انحصاری	۶۱/۳	۵۷/۷	۱۲۸۲	۷۶	تولید آب نبات و شکلات نقل و...	۱۵۴۳
انحصاری	۵۴/۲۹	۴۷/۸۵	۱۳۲۴	۱۲۹	تولید رشته و ماکارونی و ورمیشل	۱۵۴۴
نسبتاً انحصاری	۳۱/۲	۱۸/۷	۲۱۴	۹۵	نانوایی	۱۵۴۵
نسبتاً انحصاری	۵۷/۲	۴۲/۵	۵۶۳	۲۴۲	تولید نان شیرینی و بیسکویت و کیک	۱۵۴۶
انحصاری	۸۶/۳	۸۰	۵۱۹۴	۷۲	چای سازی	۱۵۴۷
نسبتاً رقابتی	۳۷/۵	۲۴/۹	۲۷۵	۲۷۱	تولید سایر محصولات غذایی	۱۵۴۸
انحصاری	۹۸/۲	۷۹/۵	۲۰۱۹	۹	تولید الکل اتیلیک از مواد تخمیر شده	۱۵۵۱
انحصاری	۱۰۰	۹۹/۶	۹۰۳۹	۷	تولید مالتا و ماءالشعیر	۱۵۵۳
نسبتاً انحصاری	۵۱/۶	۳۵/۴	۵۳۶	۶۰	تولید نوشابه های غیرالکلی گازدار	۱۵۵۵
انحصاری	۸۴/۴	۶۱/۳	۱۲۴۰	۳۴	تولید دوغ و آب معدنی	۱۵۵۶
انحصار کامل	۱۰۰	۱۰۰	۷۵۳۲	۲	تولید محصولات از توتون و تنباکو	۱۶۰۰
رقابتی	۱۷/۵	۱۰/۸	۸۳	۵۳۷	آماده سازی و ریسندگی الیاف منسوج	۱۷۱۱
انحصاری	۷۶/۷	۶۶/۶	۱۴۲۴	۷۶	تکمیل منسوجات	۱۷۱۲
نسبتاً انحصاری	۶۲	۴۳/۸	۶۶۹	۷۰	تولید کالاهای نساجی ساخته	۱۷۲۱
انحصاری	۱۰۰	۹۶/۲	۲۷۴۸	۵	تولید طناب و ریسمان و نخ قند و توری	۱۷۲۳
انحصاری	۷۱	۶۱	۱۳۵۸	۷۲	تولید قالی و قالیچه دستباف	۱۷۲۴
انحصاری	۱۰۰	۱۰۰	۴۶۳۶	۳	تولید گلیم و زیلو و جاجیم دستباف	۱۷۲۵
نسبتاً رقابتی	۳۷/۳	۲۴	۲۶۵	۲۲۴	تولید فرش ماشینی و موکت	۱۷۲۶
انحصاری	۸۸/۲	۷۷/۳	۲۲۳۸	۲۰	تولید سایر منسوجات طبقه بندی نشده	۱۷۲۹
نسبتاً انحصاری	۶۹/۳	۵۰/۲	۸۸۱	۲۹	کشبافی و تریکوبافی و قلاب بافی	۱۷۳۱



نوع بازار	سهم بنگاه های برتر از بازار (درصد)		شاخص هرفیندال	تعداد بنگاه ها	نام فعالیت	کد چهار رقمی
	هشت بنگاه (۸C)	چهار بنگاه (۴C)				
انحصاری	۹۳/۵	۶۴/۷	۱۳۸۵	۱۲	جوراب بافی	۱۷۳۲
نسبتاً انحصاری	۴۹/۶	۳۷/۴	۵۶۴	۱۳۲	تولید پوشاک	۱۸۱۰
نسبتاً انحصاری	۵۱/۴	۴۰	۵۲۲	۸۳	دباغی و تکمیل چرم	۱۹۱۱
انحصاری	۱۰۰	۸۹/۵	۲۱۳۰	۵	تولید کیف و چمدان و محصولات	۱۹۱۲
نسبتاً رقابتی	۴۷	۳۳	۴۴۱	۱۰۹	تولید کفش	۱۹۲۰
انحصاری	۹۵/۳	۸۲/۸	۳۶۳۷	۱۶	اره کشی و رنده کاری چوب	۲۰۱۰
انحصاری	۷۶/۵	۵۶/۵	۱۰۳۰	۶۰	تولید ورقهای روکش شده و تخته	۲۰۲۱
نسبتاً انحصاری	۵۶/۲	۴۱/۴	۶۰۳	۳۷	تولید مصنوعات نجاری و طبقه بندی	۲۰۲۲
انحصاری	۹۳/۴	۶۹/۸	۱۴۴۶	۱۱	تولید ظروف و محفظه های چوبی	۲۰۲۳
انحصاری	۸۷/۷	۶۴/۶	۱۴۶۷	۱۳	تولید سایر محصولات چوبی و تولید	۲۰۲۹
انحصاری	۸۳/۵	۷۱/۳	۱۸۴۵	۶۱	تولید خمیر کاغذ و کاغذ و مقوا	۲۱۰۱
نسبتاً رقابتی	۳۹/۱	۲۴/۶	۳۲۷	۱۵۵	تولید جعبه و کارتن و سایر وسایل	۲۱۰۲
نسبتاً رقابتی	۵۰/۲	۳۶/۹	۴۷۸	۸۵	تولید سایر کالاهای کاغذی و مقوایی	۲۱۰۹
انحصاری	۸۶/۳	۷۱	۲۲۲۹	۲۵	انتشار روزنامه و مجله و نشریات اداری	۲۲۱۱
نسبتاً انحصاری	۶۴	۴۵/۶	۷۴۱	۴۰	انتشار کتاب و بروشور	۲۲۱۲
انحصار نسبتاً کامل	۱۰۰	۱۰۰	۵۰۷۶	۵	سایر انتشارات	۲۲۱۹
انحصاری	۷۰	۵۷/۸	۱۸۰۴	۱۰۳	چاپ	۲۲۲۱
انحصاری	۱۰۰	۹۳	۶۵۶۶	۶۱	فعالیت های خدماتی مربوط به چاپ	۲۲۲۲
انحصاری	۱۰۰	۹۴/۸	۳۷۰۲	۶	تولید فرآورده های کوره کک	۲۳۱۰
انحصاری	۷۸/۱	۵۵	۱۰۵۰	۱۳۰	تولید فرآورده های نفتی تصفیه شده	۲۳۲۰
نسبتاً انحصاری	۶۹	۵۰	۸۱۷	۲۰۰	تولید مواد شیمیایی اساسی	۲۴۱۱
انحصاری	۹۵/۶	۹۲/۲	۲۶۳۰	۵۶	تولید کود شیمیایی و ترکیبات ازت	۲۴۱۲



نوع بازار	سهام بنگاه های برتر از بازار (درصد)		شاخص هرفیندال	تعداد بنگاه ها	نام فعالیت	کد چهار رقمی
	هشت بنگاه (۸C)	چهار بنگاه (۴C)				
انحصاری	۹۳/۵	۷۲/۸	۲۱۸۱	۹۲	تولید مواد لاستیکی	۲۴۱۳
انحصاری	۸۵	۶۵	۱۵۵۸	۲۵	تولید سموم دفع آفات و سایر فرآورده ها	۲۴۲۱
نسبتاً رقابتی	۳۵/۴	۲۰/۴	۲۴۶	۱۵۴	تولید انواع رنگ و روغن جلا	۲۴۲۲
نسبتاً رقابتی	۳۴/۶	۲۱	۲۴۱	۱۵۵	تولید دارو و مواد شیمیایی	۲۴۲۳
نسبتاً انحصاری	۶۵/۴	۴۴/۴	۶۸۱	۱۴۱	تولید صابون و مواد پاک کننده	۲۴۲۴
نسبتاً انحصاری	۵۴/۶	۳۹/۶	۵۱۵	۸۲	تولید سایر محصولات شیمیایی	۲۴۲۹
انحصاری	۹۸	۹۱/۲	۲۴۷۱	۱۳	تولید الیاف مصنوعی	۲۴۳۰
انحصاری	۹۲/۷	۶۳/۷	۱۴۱۵	۲۸	تولید لاستیک رویی و تویی	۲۵۱۱
نسبتاً رقابتی	۴۹/۴	۳۳/۱	۴۳۴	۸۶	تولید سایر محصولات لاستیکی	۲۵۱۹
نسبتاً رقابتی	۲۱/۳	۱۵/۵	۱۱۳	۷۰۲	تولید محصولات پلاستیکی بجز کفش	۲۵۲۰
نسبتاً انحصاری	۶۳/۶	۳۸/۱	۶۲۸	۵۸	تولید شیشه جام	۲۶۱۱
نسبتاً انحصاری	۴۸/۸	۵۰/۶	۹۳۴	۵۷	تولید محصولات شیشه ای بجز شیشه خام	۲۶۱۲
نسبتاً رقابتی	۴۸/۱	۲۷/۶	۴۰۵	۷۵	تولید کالاهای سرامیکی غیر نسوز	۲۶۹۱
انحصاری	۸۹/۲	۷۱/۳	۱۶۲۸	۲۸	تولید محصولات سرامیکی نسوز	۲۶۹۲
نسبتاً رقابتی	۳۷	۲۳/۹	۲۹۶	۱۵۷	تولید سیمان و آهک و گچ	۲۶۹۴
نسبتاً رقابتی	۲۰/۷	۱۲/۵	۱۰۳	۳۹۹	تولید محصولات ساخته شده	۲۶۹۵
رقابتی	۹/۹	۸/۶	۶۱	۳۸۵	بریدن و شکل دادن و تکمیل سنگ	۲۶۹۶
رقابتی	۸/۶	۴/۷	۳۳	۶۴۲	تولید آجر	۲۶۹۷
نسبتاً رقابتی	۳۵/۲	۲۰/۹	۲۵۸	۹۹	تولید سایر محصولات گلی و سرامیکی	۲۶۹۸
رقابتی	۱۳/۳	۱۱/۴	۸۴	۳۹۴	تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی	۲۶۹۹
انحصاری	۷۱	۵۵/۸	۱۱۱۶	۲۱۰	تولید محصولات اولیه آهن و فولاد	۲۷۱۰
انحصاری	۹۸/۵	۹۴/۶	۵۲۶۶	۱۹	تولید محصولات اساسی مسی	۲۷۲۱
انحصاری	۸۷/۲	۷۳/۸	۱۹۵۸	۸۲	تولید محصولات اساسی آلومینیومی	۲۷۲۲
نسبتاً	۶۷/۹	۴۷	۷۵۹	۵۵	تولید فلزات گرانبها و سایر محصولات	۲۷۲۳

نوع بازار	سهم بنگاه های برتر از بازار (درصد)		شاخص هرفیندال	تعداد بنگاه ها	نام فعالیت	کد چهار رقمی
	چهار بنگاه (۴C)	هشت بنگاه (۸C)				
انحصاری						
نسبتاً انحصاری	۴۷/۲	۴۲/۱	۶۲۰	۱۵۶	ریخته گری آهن و فولاد	۲۷۳۱
انحصاری	۸۲	۷۰/۷	۲۸۳۷	۴۱	ریخته گری فلزات غیر آهنی	۲۷۳۲
انحصاری	۴۸/۶	۴۱/۸	۱۲۲۲	۲۷۹	تولید محصولات فلزی ساختمانی	۲۸۱۱
نسبتاً انحصاری	۵۶/۲	۴۲/۶	۶۶۴	۱۲۰	تولید مخازن وانبارها و ظروف	۲۸۱۲
انحصاری	۹۲	۷۸	۱۹۲۱	۳۳	چکش کاری و پرس کاری و قالب زنی	۲۸۹۱
انحصاری	۶۸/۷	۵۳/۹	۱۰۸۲	۱۷۷	تولید لوازم خانگی طبقه بندی	۲۸۹۲
نسبتاً رقابتی	۴۸	۲۸	۴۰۹	۶۱	تولید آلات برنده و ابزار دستی	۲۸۹۳
نسبتاً رقابتی	۳۶	۲۴	۲۳۹	۳۹۴	تولید سایر محصولات فلزی	۲۸۹۹
انحصاری	۹۸	۹۳/۴	۴۷۲۸	۱۹	تولید موتور و توربین	۲۹۱۱
نسبتاً رقابتی	۴۵/۴	۳۰/۲	۳۷۸	۱۲۵	تولید پمپ و کمپرسور	۲۹۱۲
انحصاری	۷۷/۷	۶۵	۱۵۷۱	۳۶	تولید یاتاقان و دنده و چرخ دنده	۲۹۱۳
انحصاری	۸۲/۹	۶۹/۸	۱۵۹۳	۲۷	تولید اجاق و کوره و مشعلهای کوره	۲۹۱۴
نسبتاً رقابتی	۴۸/۵	۳۱/۱	۴۴۳	۶۴	تولید تجهیزات بالابرنده و جابجا کننده	۲۹۱۵
نسبتاً انحصاری	۵۶/۴	۴۱/۷	۵۸۱	۱۳۲	تولید سایر ماشین آلات با کاربرد عام	۲۹۱۹
انحصاری	۸۸	۸۱/۹	۳۷۷۴	۸۷	تولید ماشین آلات کشاورزی و جنگلداری	۲۹۲۱
نسبتاً انحصاری	۴۸/۸	۳۴/۹	۵۴۸	۸۳	تولید ماشین ابزارها	۲۹۲۲
انحصاری	۱۰۰	۱۰۰	۷۶۴۳	۵	تولید ماشین آلات متالورژی	۲۹۲۳
انحصاری	۹۵/۳	۹۱/۱	۳۱۶۷	۵۸	تولید ماشین آلات معدنی و استخراج	۲۹۲۴
نسبتاً انحصاری	۴۸/۴	۳۳/۹	۵۰۲	۷۰	تولید ماشین آلات عمل آوری	۲۹۲۵
انحصاری	۹۴/۳	۸۹/۲	۴۰۵۰	۲۱	تولید ماشین آلات برای تولید	۲۹۲۶
نسبتاً انحصاری	۶۳/۲	۴۹/۸	۹۳۰	۵۷	تولید سایر ماشین آلات با کاربرد خاص	۲۹۲۹



نوع بازار	سهم بنگاه های برتر از بازار (درصد)		شاخص هرفیندال	تعداد بنگاه ها	نام فعالیت	کد چهار رقمی
	هشت بنگاه (۸C)	چهار بنگاه (۴C)				
نسبتاً رقابتی	۴۵/۹	۳۰/۴	۳۶۸	۲۰۰	تولید وسایل خانگی طبقه بندی	۲۹۳۰
نسبتاً انحصاری	۶۱/۹	۴۰	۶۴۹	۳۲	تولید ماشین آلات اداری و حسابگر	۳۰۰۰
انحصاری	۷۹/۲	۶۸	۲۰۹۷	۷۳	تولید موتورهای برق و ژنراتور	۳۱۱۰
نسبتاً انحصاری	۵۳/۶	۴۰/۷	۵۴۳	۱۴۷	تولید دستگاههای توزیع و کنترل نیرو	۳۱۲۰
نسبتاً انحصاری	۵۰/۷	۳۴/۵	۵۲۹	۱۱۰	تولید سیم و کابل عایق بندی شده	۳۱۳۰
انحصاری	۹۹/۱	۹۲/۶	۳۱۴۴	۱۱	تولید انباره ها و باطری های اولیه	۳۱۴۰
انحصاری	۷۳/۳	۵۶	۱۰۴۷	۵۲	تولید لامپهای الکترونیکی و تجهیزات	۳۱۵۰
انحصاری	۹۰/۲	۸۳/۸	۳۹۹۸	۵۰	تولید سایر تجهیزات الکتریکی	۳۱۹۰
انحصاری	۶۴/۷	۴۸/۷	۱۱۰۰	۳۰	تولید لامپهای الکترونیکی	۳۲۱۰
انحصاری	۹۶/۸	۹۱	۳۷۰۶	۱۸	تولید فرستنده های تلویزیونی و رادیویی	۳۲۲۰
انحصاری	۹۱/۵	۷۴	۱۶۱۸	۲۵	تولید گیرنده های تلویزیونی و رادیویی	۳۲۳۰
نسبتاً انحصاری	۵۰/۶	۳۵/۹	۴۷۷	۹۳	تولید تجهیزات پزشکی و جراحی	۳۳۱۱
نسبتاً انحصاری	۷۴/۸	۵۳/۴	۹۸۰	۳۳	تولید ابزار ها و وسایل ویژه اندازه گیری	۳۳۱۲
انحصاری	۱۰۰	۱۰۰	۵۱۵۰	۳	تولید تجهیزات کنترل عملیات صنعتی	۳۳۱۳
انحصاری	۹۸/۹	۹۲/۵	۶۰۲۲	۱۲	تولید ابزارهای اپتیکی و تجهیزات	۳۳۲۰
انحصاری	۱۰۰	۹۱/۴	۳۰۵۹	۸	تولید ساعت های مچی و انواع دیگر	۳۳۳۰
انحصاری	۹۳/۱	۷۶/۱	۲۱۲۲	۳۴	تولید وسایل نقلیه موتوری	۳۴۱۰
انحصاری	۹۰/۸	۸۵/۳	۴۹۸۴	۴۷	تولید بدنه - اتاق سازی برای وسایل	۳۴۲۰
نسبتاً رقابتی	۳۱۸	۲۲/۳	۱۹۴	۵۴۹	تولید قطعات و ملحقات	۳۴۳۰
انحصاری	۱۰۰	۸۹/۶	۴۰۱۹	۸	تولید و تعمیر انواع کشتی	۳۵۱۱
نسبتاً انحصاری	۷۲/۵	۵۰/۳	۹۰۱	۲۲	تولید و تعمیر انواع قایق	۳۵۱۲
انحصاری	۹۹/۴	۹۸/۱	۶۴۳۸	۱۷	تولید و تعمیر تجهیزات راه آهن	۳۵۲۰

نوع بازار	سهم بنگاه های برتر از بازار (درصد)		شاخص هرفیندال	تعداد بنگاه ها	نام فعالیت	کد چهار رقمی
	هشت بنگاه (۸C)	چهار بنگاه (۴C)				
نسبتاً رقابتی	۴۱/۳	۲۷/۶	۳۱۶	۱۰۹	تولید انواع موتور سیکلت	۳۵۹۱
انحصاری	۹۳/۷	۸۶/۷	۲۴۴۳	۹	تولید انواع دوچرخه و صندلی	۳۵۹۲
انحصاری	۱۰۰	۹۳/۱	۵۳۹۷	۸	تولید سایر وسایل حمل و نقل	۳۵۹۹
نسبتاً انحصاری	۵۶/۲	۴۵/۲	۷۹۵	۱۹۷	تولید مبلمان	۳۶۱۰
انحصاری	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰۰	۱۴	تولید جواهرات و کالاهای وابسته	۳۶۹۱
انحصاری	۱۰۰	۹۷	۳۴۳۰	۵	تولید کالاهای ورزشی	۳۶۹۳
انحصاری	۱۰۰	۱۰۰	۴/۴۳۱	۴	تولید وسایل بازی و اسباب بازی	۳۶۹۴
نسبتاً رقابتی	۴۲/۵	۳۳/۲	۴۸۴	۱۳۱	تولید سایر مصنوعات طبقه بندی نشده	۳۶۹۹
انحصاری	۹۵	۸۱/۲	۲۶۳۶	۱۱	بازیافت ضایعات و خرده های غیر فلزی	۳۷۲۰

مأخذ: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران. افزایش توان رقابت پذیری صنعتی ایران (رویکردی جامع به تحولات بهره‌وری در صنعت ایران) مردادماه ۱۳۹۱

مطالعات نشان می‌دهد که ساختار بازارها می‌تواند در میزان بهره‌وری بنگاه‌ها که نقش بسیار مهمی در دستیابی به بازارهای گسترده‌تر دارد، از اهمیت برخوردار است. به لحاظ نظری، بازارها به بازار رقابت کامل و انحصار کامل قابل طبقه‌بندی هستند که رقابتی یا انحصاری بودن می‌تواند در بهره‌وری بنگاه‌ها تاثیرگذار باشد. بازارهایی که ساختار انحصاری دارند، برای پیدا کردن و بکارگیری شیوه‌های مناسب تولید به منظور افزایش بهره‌وری انگیزه لازم وجود ندارد، لذا در اینگونه صنایع بهره‌وری پایین است.

نتیجه مطالعه‌ای که با عنوان «افزایش توان رقابت‌پذیری صنعتی ایران (رویکردی جامع به تحولات بهره‌وری در صنعت ایران)» توسط نیلی و همکارانش در مردادماه سال ۱۳۹۱ منتشر شده است، عبارتند از:

- ۱- در پنج صنعت تولید محصولات توتون و تنباکو-سیگار (۱۶)، صنایع تولید زغال کک- پالایشگاههای نفت و سوخت‌های هسته‌ای (۲۳)، تولید فلزات اساسی (۲۷)، تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر (۳۴) و بازیافت (۳۷) تمرکز شدت بالایی وجود دارد، ولی این شاخص تمرکز، نزولی است. این بدین معناست که میزان انحصار در این صنایع کاهش یافته است.

۲- در صنعت تولید چوب و محصولات چوبی و چوب پنبه- غیر از مبلمان- ساخت کالا از نی و مواد حصیری (۲۰)، صنعت انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های چاپ شده (۲۲)، صنعت تولید مواد محصولات شیمیایی (۲۴)، تولید رادیو، تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی (۳۲)، تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق و ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت (۳۳) و صنعت تولید سایر تجهیزات حمل و نقل (۳۵)، تمرکز وجود دارد، اما این تمرکز شدید نیست. وجه تمایز این گروه از صنایع با صنایع مندرج در بند (۱) این است که در صنایع مندرج در بند (۲)، در سال‌های ابتدایی تمرکز بسیار شدید بود و در چند سال منتهی به سال ۱۳۸۶ از شدت تمرکز کاسته شد.

۳- در گروه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی (۱۵)، تولید منسوجات (۱۷)، تولید پوشاک و عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار (۱۸)، دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و چمدان و زین و یراق و تولید کفش (۱۹)، تولید کاغذ و محصولات کاغذی (۲۱)، تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی (۲۵)، تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی (۲۶)، تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات (۲۸)، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر (۲۹)، تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی (۳۰)، تولید ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده جای دیگر (۳۱) و تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر (۳۶). در این گروه از صنایع برعکس دو گروه از منابع مندرج در بندهای (۱) و (۲) تمرکز وجود ندارد و رقابت هم شدید نیست. در برخی از صنایع مندرج در بند (۳) مثل تولید مواد غذایی و آشامیدنی روند تغییر ساختار متمرکز صنعت بسیار سریع بوده و به گونه‌ای که تا سال ۱۳۷۵ تمرکز بر این صنعت بسیار شدید بود و تا سال ۱۳۸۰ تمرکز متوسط وجود داشت و از آن به بعد تمرکز وجود نداد. فقط در صنعت تولید منسوجات، وضعیت شدیداً رقابتی از سال ۱۳۸۳ حاکم شد.

نتیجه بررسی سال ۱۳۹۱ گویای این واقعیت است که به جزء صنعت نساجی در هیچ صنعتی وضعیت شدیداً رقابتی وجود ندارد و در نیمی از صنایع کشور تمرکز وجود دارد و این تمرکز در دوره مورد بررسی کاهش یافته بود.

در دو صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر (۳۴) و فلزات اساسی (۲۷) که در مجموع ۳۵ درصد ارزش افزوده کل صنعت را تولید می‌کنند تمرکز شدید وجود دارد. در محصولات شیمیایی (۲۴) که ۱۱ درصد ارزش افزوده را تولید می‌کند، وضعیت تمرکز متوسط وجود دارد. در تولید سایر محصولات کانی

غیرفلازی (۲۶) که ۱۴ درصد ارزش افزوده کل صنعت را تولید می‌کند، تمرکز وجود ندارد، اما ساختار رقابتی هم نیست. لذا اینگونه می‌توان نتیجه گرفت، از چهار صنعتی که نزدیک به ۶۰ درصد ارزش افزوده را تولید می‌کند، در سه صنعت تمرکز متوسط و شدید وجود دارد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه وضعیت تمرکز به سمت رقابتی شدن است، اما با تأکید بر چهار صنعت مهم با کد آیسیک دو رقمی (۳۴)، (۲۷)، (۲۴) و (۲۶)، ساختار صنعت در ایران دارای تمرکز (انحصار) قابل توجهی است. به طور کلی آنچه در این قسمت آمده است نشان می‌دهد که در ۱۱ رشته فعالیت از ۲۳ رشته فعالیت به تفکیک کد آیسیک دو رقمی در سال ۱۳۸۶، تمرکز متوسط و بالا وجود دارد و در ۵ رشته فعالیت صنعتی تمرکز بسیار شدید است.

نقطه مقابل تمرکز و انحصار، رقابت قرار دارد. رقابت اگر در فعالیتهای بوجود آید باعث می‌شود تا انجام فعالیتهای کم‌هزینه‌تر گردد و در واقع رفاه مصرف‌کننده افزایش پیدا کند. لذا می‌توان اینگونه بیان کرد که رقابت از طریق بهره‌وری تأمین‌کننده رفاه اقتصادی خواهد بود. در تعریفی که از رقابت‌پذیری ارائه می‌شود، «توجه اصلی به بهره‌وری است.»^۱ در رقابت‌پذیری مجموعه‌ای از نهادها، سیاستها و عوامل مشارکت دارند که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کند. بر این اساس است که عوامل تعیین‌کننده رقابت‌پذیری و بهره‌وری به طور یکسان دسته‌بندی می‌شوند.

از نظر اقتصاددانان عوامل تعیین‌کننده ثروت عبارتند از: تخصیصی شدن نیروی کار، تقسیم کار، سرمایه‌گذاری (فیزیکی و آموزشی)، پیشرفت تکنولوژیکی، ثبات در اقتصاد کلان، حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، شفافیت و عملکرد مطلوب نهادها، پیشرفته بودن بنگاه‌ها، شرایط تقاضا، اندازه بازار، کیفیت نهادهای دولتی (شرایط عمومی افزایش بهره‌وری) و سطح مهارت نیروی کار (به طور مستقیم در بهره‌وری نقش دارد).

عوامل و شرایط عمومی که تأثیر غیرمستقیم در رقابت‌پذیری دارند در اختیار دولت هستند و عواملی که به طور مستقیم بر میزان بهره‌وری اثرگذار هستند در اثر تعامل بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و سایر نهادها ایجاد می‌شوند. اما لازم است این نکته مدنظر قرار گیرد که عوامل تشکیل‌دهنده هر یک از ارکان مختلف رقابت‌پذیری با یکدیگر همبستگی دارند. بنابراین رقابت‌پذیری کشورها با بهبود همزمان عوامل مرتبط به هم در اقتصاد ایجاد می‌شود و فقط با رفع ضعف به صورت مجزا رخ نمی‌دهد. رقابت‌پذیری تحت تأثیر دو گروه از متغیرهای خرد و کلان که در نمودار زیر ارائه شده است، قرار دارد.

نمودار ۱: عوامل مؤثر بر رقابت پذیری



مأخذ: همان

۳- تحلیل وضعیت بخش صنعت در اقتصاد کشور

بخش صنعت در اقتصاد ایران یکی از بخش‌های مهم محسوب می‌شود. اگر ایران بخواهد به یک کشور صنعتی تبدیل شود باید به گونه‌ای اقدام کند تا سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی کشور به ۲۵ درصد برسد. برای تحقق این هدف در قوانین برنامه توسعه دهگانه کشور اهدافی به تصویب رسید که عملاً محقق نشده است که پرداختن به دلایل مربوط به این عدم تحقق وظیفه این نوشتار نیست.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد^۱ که در سال ۱۳۹۲ تعداد کارگاه صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به فعالیت صنعتی اشتغال داشتند که نسبت به سال قبل ۰/۶ درصد کاهش را نشان می‌دهند. نتایج طرح آمارگیری از اینگونه کارگاه‌ها در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۲ در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۲

شرح	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
کارگاه	۱۶۰۵۷	۱۵۸۷۸	-	۱۶۱۳۱	۱۵۳۰۰	۱۴۹۶۲	۱۴۷۸۴	۱۴۶۹۷
خصوصی	۱۵۵۳۱۱	۱۵۴۰۴			۱۴۹۴۵	۱۴۶۴۴	۱۴۵۲۳	۱۴۳۷۱
عمومی	۵۲۶	۴۷۴			۳۵۵	۳۱۸	۲۶۱	۳۲۶

مأخذ: مرکز آمار ایران. سالنامه آماری سالهای مختلف

۱- برای اطلاعات بیشتر به گزارش نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر مراجعه شود.

آنچه که در این جدول آمده است گویای این واقعیت است که بخش صنعت کشور در سالهای ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۲ از شرایط خوبی برخوردار نبوده است و به همین دلیل است که تعدادی از اینگونه کارگاهها از چرخه تولید خارج شدند. این بدین معناست که یکی از بخشهای مهم اقتصاد کشور دوران بسیار سختی را پشت سر گذاشته است و در واقع شرایط تولید برای آنها با مشکلات بسیار زیادی مواجه بود. این وضعیت نامناسب باعث گردید تا تعدادی از کارگاهها با مالکیت عمومی و خصوصی^۱ در کشور تعطیل شود که جزئیات آن در جدول بالا آمده است. بدون شک تعطیل شدن کارگاههای صنعتی در کشور در سالهای موردنظر باعث شده که در تولیدات صنعتی کشور تغییرات بسیار عمدهای بوجود آید و به تناسب این وضعیت سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی متغیر باشد. این وضعیت در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲: نرخ رشد گروههای مربوط به تولید ناخالص داخلی در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۲

شرح	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
گروه کشاورزی	□	۱۳/۵۶	۴/۹۵	۰/۳۲	۱۱/۲۸	۵/۶۴	۲/۸۹	-۲۳/۰۲	۹/۶۰	۴/۹۲	-۰/۰۹	۳/۷۰	۴/۶۶
گروه نفت	□	۲/۳۹	۱۴/۵۳	۲/۴۰	۰/۰۶	۲/۲۰	۱/۱۳	-۰/۸۴	-۵/۴۰	۴/۲۴	-۱/۰۰	-۳۷/۳۶	-۸/۹۲
گروه صنعت	□	۱۲/۵۴	۱۰/۵۰	۴/۱۰	۱۰/۵۱	۷/۹۳	۱/۹۴	۳/۱۱	۸/۱۰	۱۰/۴۹	۵/۶۳	-۸/۴۶	-۳/۹۳
گروه معدن	□	۱۱/۴۳	۵/۹۴	۴/۵۱	۴/۷۸	۱۹/۵۶	۱۰/۲۰	۲۰/۰۸	۱/۸۰	۲۳/۸۲	۲۰/۰۵	-۲/۴۶	۰/۸۷
گروه خدمات	□	۸۶/۰۶	۷/۵۵	۷/۵۱	۸/۴۳	۸/۸۹	۱۱/۰۵	۲۶/۵۸	-۱۸/۵۷	۶/۶۵	۵/۷۷	۱/۱۲	-۱/۴۶
تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه	□	۸/۱۲	۸/۴۲	۴/۶۴	۷/۵۹	۴/۸۱	۷/۷۴	۰/۶۴	۱/۲۷	۶/۴۸	۴/۳۰	-۶/۷۸	-۱/۹۲

مأخذ: محاسبات انجام شده

جدول ۳: سهم هر یک از گروههای مربوط به تولید ناخالص داخلی در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۲

شرح	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
گروه کشاورزی	۷/۳۸	۷/۷۵	۷/۵۰	۷/۱۹	۷/۴۴	۷/۴۹	۷/۱۶	۵/۴۷	۵/۹۲	۵/۸۴	۵/۵۹	۶/۲۲	۶/۶۴
گروه نفت	۲۲/۶۵	۲۱/۴۵	۲۲/۶۶	۲۲/۱۸	۲۰/۶۲	۲۰/۱۱	۱۸/۸۸	۱۸/۶۰	۱۷/۳۷	۱۷/۰۱	۱۶/۱۴	۱۰/۸۵	۱۰/۰۷
گروه صنعت	۱۳/۷۰	۱۴/۲۶	۱۴/۵۳	۱۴/۴۶	۱۴/۸۵	۱۵/۲۹	۱۴/۴۷	۱۴/۸۲	۱۵/۸۲	۱۶/۴۱	۱۶/۶۲	۱۶/۳۲	۱۵/۹۹
گروه معدن	۰/۶۰	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۵۸	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۹۵	۱/۰۹	۱/۱۵	۱/۱۸
گروه خدمات	۲۸/۶۰	۴۹/۲۲	۴۸/۸۳	۵۰/۱۷	۵۰/۵۶	۵۲/۵۳	۵۴/۱۴	۶۸/۰۹	۵۴/۷۵	۵۴/۸۴	۵۵/۶۱	۶۰/۳۲	۶۰/۶۱
تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه	۷۲/۹۲	۹۳/۲۹	۹۴/۱۲	۹۴/۵۹	۹۴/۰۵	۹۶/۰۹	۹۵/۳۱	۱۰۷/۷۹	۹۴/۶۹	۹۵/۰۵	۹۵/۰۶	۹۴/۸۶	۹۴/۴۹

مأخذ: محاسبات انجام شده

۱- منظور از کارگاههای عمومی به کارگاههایی اطلاق می شود که تمام یا بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن به وزارتخانهها، سازمانهای دولتی، بانکها، نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداریها و سایر مؤسسات بخش عمومی تعلق دارند.
کارگاههای خصوصی (تعاونی) منظور کارگاههایی هستند که به صورت شرکت تعاونی به ثبت رسیده اند و تمام یا بیش از ۵۰ درصد سهام آن به اعضای تعاونی متعلق است و منظور از کارگاههای خصوصی (غیرتعاونی) کارگاههایی هستند که تمام یا بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن به افراد متعلق است.

همان‌طور که در این جداول آمده است نرخ رشد تولیدات بخش صنعت در سال‌های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۹۲ بسیار متغیر و از حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۱ به حدود منفی ۴ درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است. آنچه که در جدول ۲ آمده است نشان می‌دهد که بخش صنعت کشور از سال ۱۳۸۹ به بعد با وضعیت بسیار سختی مواجه شد که این وضعیت باعث گردید نرخ رشد صنعت منفی شود و این در تاریخ فعالیت‌های اقتصادی کشور (حداقل پس از دوران جنگ تحمیلی) بی‌سابقه بود. به نظر می‌آید ریشه اصلی این وضعیت نابسامان را باید در وضع تحریم‌های چندجانبه بر کشور که از سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به بعد شدت یافت، جست‌وجو کرد.

همان‌طوری که در جدول نیز ارائه شده است نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشور در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب حدود منفی ۷ و منفی ۲ درصدی شده است و این به معنای این است که اقتصاد ایران در سال‌های مورد نظر در رکود کم‌سابقه‌ای فرو رفته است که برگشت‌پذیری از این وضعیت بسیار سخت است. ریشه این رکود عمیق همان‌طوری که ذکر شد باید در وضع تحریم‌ها و سیاست‌های بد اقتصادی اعمال شده در این دوران جست‌وجو کرد. ولی نکته‌ای را که نباید از آن غافل شد این است که تحریم تنها عامل به رکود رفتن اقتصاد نبود، بلکه اقتصاد ایران دارای مشکلات خُرد و کلان بسیاری در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی است که باعث گردید تا بخش صنعت و تولید ناخالص ملی به اینگونه کاهش یابد. به نظر می‌آید در خصوص توضیح اثراتی که اعمال تحریم بر بخش صنعت به دنبال داشته است می‌توان به تغییراتی که در صادرات این بخش به وجود آمده است، اشاره کرد:

صادرات کالاها و خدمات یکی از مهم‌ترین اهدافی است که کشورها برای تحقق آن تلاش می‌کنند تا زیرساخت‌های مربوط به آن فراهم گردد. برای این منظور در برنامه‌های توسعه و دیگر قوانین تلاش شده است تا این هدف محقق گردد. با همه این تلاش‌ها، ایران نتوانسته است جایگاه شایسته‌ای را در اقتصاد جهانی از آن خود کند.

وضعیت مربوط به صادرات ایران که شامل گروه کالاهای سنتی و کشاورزی، کلوخه‌های کانی فلزی و کالاهای صنعتی در قالب صادرات گمرکی (بدون احتساب نفت، گاز، برق و فرآورده‌های نفتی) که در گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی آمده است به شرح جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۵: ارزش صادرات گمرکی کالاهای صنعتی و غیرنفتی (بدون احتساب میعانات گازی) سالهای ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۹۲

"میلیون دلار"

شرح	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
صادرات صنعتی(۱)	۷۷۰۲	۹۵۵۰	۱۱۵۴۸	۱۴۶۶۲	۱۷۰۱۷	۲۰۱۹۴	۲۷۵۹۰	۲۵۱۳۷	۲۴۹۹۷
صادرات غیرنفتی(بدون احتساب گازی)(۲)	۱۰۴۷۴	۱۲۹۹۷	۱۵۳۱۲	۱۸۳۳۴	۲۱۸۹۱	۲۶۵۵۱	۳۳۸۱۹	۳۲۵۶۷	۳۱۳۳۲
کل صادرات	۶۴۳۶۶	۷۶۱۹۰	۹۷۶۶۷	۱۰۱۲۸۹	۸۸۳۲۶	۱۱۲۷۸۸	۱۴۵۵۱۸	۹۸۰۳۳	۹۳۰۱۵

مأخذ: بانک مرکزی

(۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. خلاصه تحولات اقتصادی کشور سالهای مختلف

بخش صنعت کشور در سالیان اخیر دچار تحولات بسیاری شد و در سایه این تحولات نرخ رشد این بخش منفی گردید. این وضعیت باعث شد تا در صادرات این بخش نیز تغییراتی بوجود آید. آنچه که در جدول آمده است نشان می دهد که ارزش صادرات صنعتی در سالیان اخیر بدلیل وضع تحریم کاهشی شد. مراجعه به گزارشهای منتشره از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت نشان می دهد که صادرات ایران در سالهای ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۹۱ به تفکیک قاره به امریکا، اروپا، آسیا، آفریقا و اقیانوسیه بود. در سالهای مورد نظر به طور متوسط ۸۲/۸ و ۱۲/۳ درصد از ارزش صادرات غیرنفتی کشور به دو قاره آسیا، اروپا و اقیانوسیه ۱/۵ و ۱/۷ و ۰/۲ درصد از افزایش صادرات غیر نفتی کشور به ترتیب به سه قاره آفریقا، آمریکا و اقیانوسیه تعلق داشت و ارزش صادرات غیرنفتی کشور به قاره آسیا به غیر از سال ۱۳۹۱ همواره روند افزایش داشته است. در بخش واردات نیز به طور متوسط ۵۹/۱ و ۳۴/۷ درصد از ارزش واردات کشور به دو قاره آسیا و اروپا و ۲/۵ و ۰/۵ درصد از ارزش واردات کشور به ترتیب به قاره های آمریکا، آفریقا و اقیانوسیه اختصاص داشت.

جدول ۶: صادرات غیر نفتی کشور به تفکیک قاره های مقصد

شاخص	واحد	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
ارزش صادرات غیرنفتی	میلیون دلار	۱۰۴۷۴	۱۲۹۹۷	۱۵۳۱۲	۱۸۳۳۴	۲۱۹۳۹	۲۶۶۱۲	۳۳۸۸۲	۳۲۵۵۴
آمریکا	ارزش	۱۷۹	۲۶۷	۲۳۷	۵۸۸	۲۷۰	۲۶۹	۲۲۵	۲۲۱
	سهم	۱/۷	۲/۱	۱/۵	۳/۲	۱/۲	۱	۰/۷	۰/۷
اروپا	ارزش	۱/۷۸۶	۲/۴۵۱	۲/۹۹۳	۲/۸۸۶	۳/۱۵۳	۲/۴۳۲	۲/۱۹۹	۱/۷۳۰



۵/۳	۶/۵	۹/۲	۱۴/۴	۱۵/۷	۱۹/۵	۱۸/۹	۱۷	درصد	سهم	
۲۹/۷۰۸	۳۰/۸۴۴	۲۳/۲۷۳	۱۷/۴۷۳	۱۴/۵۰۸	۱۱/۷۷۸	۹/۹۶۱	۸/۳۴۸	میلیون دلار	ارزش	آسیا
۹۱/۵	۹۱/۳	۸۷/۷	۷۹/۸	۷۹/۱	۷۶/۹	۷۶/۶	۷۹/۷	درصد	سهم	
۷۶۴	۴۵۲	۴۶۵	۳۳۰	۲۷۵	۲۸۴	۲۹۶	۱۴۲	میلیون دلار	ارزش	آفریقا
۲/۴	۱/۳	۱/۸	۱/۵	۱/۵	۱/۹	۲/۳	۱/۴	درصد	سهم	
۳۰	۶۱	۱۱۱	۴۸	۷۷	۲۱	۲۳	۲۰	میلیون دلار	ارزش	اقیانوسیه
۰/۱	۰/۲	۰/۴	۰/۲	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۰/۲	درصد	سهم	

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

همچنین در طرف واردات نیز به طور متوسط ۵۹/۱ و ۳۴/۷ درصد از ارزش واردات کشور متعلق به دو قاره آسیا و اروپا و ۲۵ و ۵ درصد از ارزش واردات کشور به ترتیب به قاره های آمریکا، آفریقا، اقیانوسیه اختصاص داشته است.

جدول ۷: واردات کشور به تفکیک قاره های مبدا

شاخص		واحد	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
واردات	ارزش	میلیون دلار	۳۹۲۴۸	۴۱۷۲۳	۴۸۴۳۹	۵۶۰۴۲	۵۵۲۸۷	۶۴۴۵۰	۶۱۷۸۷	۵۳۳۴۸
	سهم	درصد	۳/۱	۲/۹	۲/۳	۳/۷	۲/۶	۱/۷	۱/۶	۲/۳
آمریکا	ارزش	میلیون دلار	۱۲۲۷/۷	۱۲۱۷/۴	۱۱۲۶	۲۰۹۷/۹	۱۴۵۲	۱۱۰۸	۱۰۰۶/۴	۱۲۲۴
	سهم	درصد	۳/۱	۲/۹	۲/۳	۳/۷	۲/۶	۱/۷	۱/۶	۲/۳
اروپا	ارزش	میلیون دلار	۱۹۷۶۷/۲	۱۸۷۳۷/۹	۲۰۳۴۹/۱	۲۳۰۵۹	۱۹۸۲۵	۱۹۵۰۴	۱۵۹۳۸	۱۵۲۹۲
	سهم	درصد	۵۰/۴	۴۴/۹	۴۲	۴۱/۱	۳۵/۹	۳۰/۳	۲۵/۸	۲۸/۷
آسیا	ارزش	میلیون دلار	۱۷۸۴۴/۷	۲۱۰۹۷/۸	۲۶۴۶۸/۷	۳۰۱۳۹	۳۳۳۷۸	۴۳۳۹۷	۴۴۵۰۸	۲۶۳۹۶
	سهم	درصد	۴۵/۵	۵۰/۶	۵۴/۶	۵۳/۸	۶۰/۴	۶۷/۳	۷۲	۶۸/۲
آفریقا	ارزش	میلیون دلار	۲۱۶/۷	۳۰۷/۲	۲۴۵/۳	۴۹۶/۷	۲۴۲	۲۷۰	۱۸۲	۱۶۱
	سهم	درصد	۰/۶	۰/۷	۰/۵	۰/۹	۰/۴	۰/۴	۰/۳	۰/۳
اقیانوسیه	ارزش	میلیون دلار	۱۹۱/۳	۳۶۲/۳	۲۴۹/۷	۲۴۸/۹	۲۹۲	۱۷۱	۱۵۱/۳	۲۷۴
	سهم	درصد	۰/۵	۰/۹	۰/۵	۰/۴	۰/۵	۰/۳	۰/۲	۰/۵

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

۴- برنامه جامع اقدام مشترک چه فرصتهایی را در اختیار اقتصاد ایران قرار می‌دهد؟

اقتصاد ایران مانند اقتصاد همه کشورهای دنیا برای حداکثر کردن منافع خود و افزایش رفاه شهروندانش به تعامل با کشورهای دیگر نیاز دارد. این تعامل قبل از اعمال تحریم‌های چند جانبه در قالب تجارت خارجی به سهولت انجام شد. اما از سال ۱۳۸۴ به بعد و با تغییر شکل تحریم‌ها از حالت یک جانبه و یا دو جانبه به چند جانبه و فراگیر باعث گردید تا کلیه راههای تجاری و نقل و انتقالات مالی، امور بیمه‌ای، حمل و نقل دریایی، هوایی و با بسیاری از کشورهای دنیا و در یک کلام با جامعه بین‌الملل قطع گردد.

با وضع اینگونه محدودیتها بر ایران، ارتباط تجاری اقتصاد ایران با اقتصاد کشورهای دیگر از طریق مجاری رسمی و شفاف قطع گردید و این باعث گردید تا زمینه‌های رانت و فساد برای برخی از افراد باز شود و اتخاذ چنین روشی باعث گردید که در تعاملات تجاری، هزینه مبادله بسیاری به اقتصاد ایران تحمیل گردد. پس تحریم باعث شد که ارتباطات تجاری ایران با کشورهای دیگر با هزینه بیشتری انجام شود. این وضعیت خود نابسامانی را در کشور تشدید کرد.

البته لازم است این نکته در نظر گرفته شود که در تشدید این نابسامانی‌ها، مدیریت بد اقتصادی دولت وقت در شیوه هزینه نمودن درآمدهای سرشار نفتی، ساختار نامناسب اقتصادی کشور، تورم دو رقمی، تزریق بیش از اندازه پول به اقتصاد و تأثیر بسیاری داشته است. بنابراین باید این نکته مد نظر قرار گیرد که اقتصاد ایران قبل از تحریم به لحاظ مباحث نهادی و در وضعیتی قرار داشت که تحریم توانسته، این ناکارآمدیها را تشدید کند.

در واقع با توجه به آنچه که در این گزارش و گزارش "بررسی و تحلیل وضعیت اقتصاد ایران در دوران قبل از تحریم، پس از تحریم و ارائه پیشنهاداتی برای پسا تحریم" آمده است، نشان می‌دهد که وجود برخی از مشکلات اقتصاد ایران که از نیمه دهه پنجاه و حتی پیش از آن وجود داشته است و این ریشه در ساختار اقتصاد ایران دارد، باعث گردید که امروز کشور با نابسامانی بیشتری مواجه گردد که یکی از آنها عدم مدیریت اقتصاد کشور براساس اصول اقتصادی است. لذا در گام اول اگر ایران بخواهد مشکل اقتصادش را حل کند باید شیوه مدیریت اقتصادی خود را به گونه ای تنظیم کند که قاعده پذیر باشد. اگر این تفکر حاکم نشود، لغو تحریم نمی‌تواند تغییر چندانی را در اقتصاد ایران بوجود آورد.

همان‌طوری که در اطلاعات مندرج در جداول مربوط به صادرات و واردات ایران آمده است، صادرات و واردات کالاهای صنعتی و غیرصنعتی ایران از زمانی که تحریم‌ها تشدید شد، نوسانات و کاهشی یا در ترکیب مناطق صادراتی ایران تغییر بوجود آمده است. اجرای دقیق برجام باعث می‌شود که در تحقق اهداف صادراتی و وارداتی تسهیل شود و هزینه مبادله‌های مربوط به آن کاهش پیدا کند. فرصتهایی که در برجام و در عرصه اقتصاد برای ایران فراهم شده است، باعث می‌شود که ایران مجدداً به فضای اقتصاد جهان برگردد.

اجرای دقیق برجام باعث می‌شود که آن بخشی از دارایی‌های ایران (بانک مرکزی، بخش خصوصی و ...) بلوکه شده بود در اختیار کشور قرار گیرد. در برجام این فرصت وجود دارد که منابع مالی متعلق به ایران که از قبل صادرات نفتی و غیرنفتی از گذشته حاصل شده بود و بدلیل اعمال محدودیتهای بانکی، به ایران منتقل نشده بود، در اختیار کشور قرار گیرد. این باعث می‌شود تا منابع مالی بیشتری در اختیار نهادهای پولی و مالی قرار گیرد تا با استفاده از این منابع، نقدینگی مورد نیاز کشور برای بخش‌های مولد تأمین گردد. از طریق اجرای برجام این موقعیت در اختیار کشور قرار می‌گیرد تا زمینه‌های انتقال پولی، مالی و انجام بیمه‌های مختلف فراهم شود.

اما حال این فرصت در اختیار ایران قرار گرفته است، جای سؤال دارد که آیا می‌توان انتظار داشت که تمام مشکلات اقتصاد ایران برطرف گردد؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است اشاره شود که اقتصاد ایران با چه مشکلاتی مواجه است؟ این موضوع در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آنچه که در دو گزارش تهیه شده بیان شده است بخشی از مشکلات اقتصادی، سیاسی و ایران است که ریشه در گذشته تاریخی این کشور دارد و باعث شده است تا علم اقتصاد کارکردهایی را که در بیشتر نقاط دنیا از آن انتظار می‌رود، در ایران بدنبال نداشته باشد. مشکلات این چنینی باعث گردید تا اقتصاد قاعده‌پذیر نباشد و مدیریت اقتصاد کشور براساس اصول اقتصادی نباشد. حاکم نبودن اصول اقتصادی در اقتصاد ایران باعث گردید که منابع به شکل بهینه تخصیص پیدا نکند. راهبرد (استراتژی) کشور در بخشهای صنعت، کشاورزی، خدمات و دیگر بخشهای نامشخص باشد و سیاستهای متنوع و مختلف برای توسعه این بخشها اتخاذ گردد و با تغییر دولتها این سیاستها تغییر کند. اگر ایران بخواهد مسیر تحول و پیشرفت را طی کند باید این رویکرد حاکم شود و اما آنچه از امروز وضعیت ایران استنباط می‌شود این است که کشور در شرایطی قرار ندارد تا در آن تولید محقق شود و در واقع کشور از شرایطی برخوردار نیست که بخش مولد بتواند مسیر تولید

را به آسانی طی نماید. برای این منظور مطالب و مستندات زیر ارائه می شود. البته قبل از پرداختن به موضوع اصلی، لازم است بدانیم که موضوع علم اقتصاد چیست. درخصوص موضوع علم اقتصاد به دو موضوع زیر اشاره می کنند:

۱- چگونگی عملکرد بازار

۲- علم چگونگی تولید و توزیع کالا

طرفداران این نظریه معتقدند که تولید و توزیع ثروت همیشه وجود داشته است ولی علم اقتصاد، علم جدیدی است و این علم جدید بر چگونگی افزایش ثروت سیستمها نظارت دارد تا این ثروت چگونه افزایش یابد. آدام اسمیت که به پدر علم اقتصاد معروف است به صراحت بیان می کند که ثروت ملتها از طریق تقسیم کار افزایش می یابد. با این تفکر، هر قدر بازار مبادلات گسترش پیدا کند در جامعه تولید و مصرف افزایش می یابد و تولید ثروت زیاد خواهد شد. پس در این دیدگاه، تولید ثروت تابعی از تقسیم کار و این نیز خود تابعی از گستره بازار یا مبادله است.

در کشوری نظیر ایران اهمیت مبادله در تولید ثروت مورد غفلت قرار گرفته است و بدون در نظر گرفتن این مرحله به این هدف متمرکز می شوند که اگر سرمایه گذاری زیاد شود، اگر تکنولوژیهای جدید بیاوریم، تولید افزایش پیدا می کند. این در حالی است که زنجیره های دیگر نادیده گرفته شود. برای تکمیل این موضوع بدنیست که بدانیم زنجیره فرآیند اقتصادی را تولید و مصرف تشکیل می دهد و تولید، توزیع، مبادله و مصرف حلقه های یک زنجیره هستند و یک حلقه بدون ارتباط و هماهنگی با دیگر حلقه ها قابل اصلاح نیست. در ایران عموماً بدون در نظر گرفتن این زنجیره تلاش شد تا از طریق تزریق پول به اقتصاد کشور اشتغال ایجاد شود و این سیاست عموماً در تمامی دولتهای پس از انقلاب مورد توجه قرار گرفت، البته ناگفته نماند که پیگیری این سیاست در عملکرد دولتها شدت و ضعف داشت.

برای تحقق اهداف مندرج در این زنجیره لازم است یک سلسله بسترهایی وجود داشته باشد. در واقع بدون وجود این بندها کارکرد علم اقتصاد قابل حصول نمی تواند باشد. لذا علم اقتصاد بر پایه فروضی قرار گرفته است که این فروض بعضاً حقوقی می باشند که از جمله آنها:

۱- حقوق مالکیت فردی

۲- حاکمیت قانون می باشند.

درباره این دو فرض حقوقی مؤثر در علم اقتصاد مباحث بسیار زیادی مطرح است و بساری معتقدند که حق مالکیت فردی مهمترین زنجیره فرآیند ثروت است، زیرا مبادله بر چیزی انجام می‌شود که در تملک یا تصرف فرد باشد. اگر فرد به این بیندیشد که ممکن است با برخی از تغییرات ناخواسته در فضای کسب و کار، مالکیت آن خدشه‌دار شود، انجام فعالیت اقتصادی و مبادله با مشکل مواجه می‌شود.

حق مالکیت فردی در صورتی در جوامع رعایت می‌شود که حاکمیت قانون در آن وجود داشته باشد و البته حاکمیت قانون در عملکرد فعالیتهای اقتصادی تأثیرگذار است. پس اگر جوامع بدنبال این باشند که فعالیتهای اقتصادی عملکرد مناسبی داشته باشد باید قانون در جامعه حاکمیت داشته باشد و حکومت قانون مفهوم مخالف حکومت اراده یا عده خاص است و در حاکمیت اراده خاص قاعده وجود ندارد. در حکومت قانون یک سلسله قواعد کلی وجود دارد که همه مشمول هستند و همه به رعایت آن ملزم هستند. حکومت قانون شبیه قواعد بازی است و در روابط بازیگرها، قاعده بازی حاکم است و اراده هیچکدام از طرفها یا اراده شخص ثالث مؤثر نیست. در حکومت قانون با توجه به حاکمیت قانون بر رفتار شهروندان، به قانون اعتماد می‌شود و صداقت قانونگذار و مجری را بازیگران قبول دارند و در اینگونه حکومتها، قانون با کیفیت هستند و دائم تغییر نمی‌کنند. برای اینکه قانون دائماً تغییر نکند، بسیاری اعتقاد دارند که ۹۰ درصد اجرای قوانین و ۹۰ درصد ابتکار قانونگذاری باید با ارائه لایحه توسط دولت و قوه مجریه باشد و در این صورت است که قوه مجریه آنچه را که می‌خواهد، بدست خواهد آورد. مطالعه‌ای که اخیراً انجام شده نشان می‌دهد که «شاخص نسبت ابتکار قانونگذاری» در برخی از هشت دوره مجلس شورای اسلامی نامناسب است. به صورتی که در این ۸ دوره مجلس، تقریباً ۸۰ درصد قوانین مصوب از نوع اصلاحیه یا استفساریه بود. این بدین معناست که کیفیت قانون در کشور پایین است و از این منظر، جامعه ایران جامعه‌ای مضطرب است. در واقع جامعه ایران همانند بیماری است که پزشکهای مختلف بنا به تشخیص‌های خود داروهای مختلفی را برای درمانش تجویز کردند و با این حجم از داروها نمی‌داند چه کار باید بکند. مثال بارز این وضعیت، اقدام بانک مرکزی از فروردین ۱۳۹۰ لغایت ۱۷ مهرماه سال ۱۳۹۱ است. در این فاصله زمانی، بانک مرکزی در ۷۰ مورد به سیاستگذاری و یا اقدام در حوزه

ارزی انجام داده است که حدود ۵۱ مورد آن به صدور بخشنامه، دستورالعمل، تمهیدات سیاستی و اتخاذ تصمیم بوده است.^۱

حال جای این سؤال دارد که آیا با توجه به چنین نابسامانی در عرصه قانونگذاری و سیاستگذاری، انجام فعالیت اقتصادی و توسعه آن امکان‌پذیر است؟ آیا در چنین فضایی حقوق مالکیت رعایت می‌شود؟ یا در چنین موقعیتی حاکمیت قانون معنا پیدا می‌کند؟ حقوق مالکیت بنگاه‌ها و یا افراد وقتی لحاظ می‌شود که قانون با ثبات باشد، ریسک انجام فعالیت با یک ضریب خطای ۵ لغایت ۱۰ درصدی قابل پیش‌بینی باشد. وقتی هیچ چیزی و حتی قوانین قابل پیش‌بینی نباشند، بخش خصوصی با مراجعه به چه فاکتورهایی می‌تواند متغیرهای مؤثر در انجام فعالیت خود را پیش‌بینی کند؟ وقتی هر قانونی می‌تواند عوض شود و یا اجرا نشود آیا انجام سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر است؟ پس می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که اگر حکومت قانون نباشد امکان رونق اقتصادی، برنامه‌ریزی، رشد بنگاه‌ها و فعالیت اقتصادی بوجود نخواهد آمد.

مسئله اساسی دیگری که هم‌اکنون بر سر راه تولید در کشور وجود دارد، نبود حاکمیت شرکتی در کشور است. از این منظر هنوز جامعه ایران تقریباً در عصر ماقبل مدرن قرار دارد. در این خصوص بد نیست که بدانیم وضعیت حاکمیت شرکتی^۲ در اقتصاد ایران نامناسب است. مطابق آخرین آمار که توسط مرکز آمار ایران در پنجم مهرماه سال ۱۳۹۴ تحت عنوان نتایج طرح آمارگیری از کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر، ۴۹-۱۰ نفر و ۵۰ نفر کارکن و بیشتر مربوط به سال ۱۳۹۲ منتشر شده است، تعداد کل کارگاههای صنعتی ۲۹۳۹۴ واحد می‌باشد که از این تعداد حدود ۵۱ درصد کارگاههای ۱۰ نفر کارکن هستند که عمدتاً به صورت خانواری اداره می‌شوند و این نشان‌دهنده پایین بودن سهم شرکتی در اقتصاد است.

در این مورد مطالعه‌ای تحت عنوان «سازماندهی تولید» در سال ۱۳۸۸ در بانک مرکزی انجام شد و در این مطالعه آمده است که در سالهای ۱۳۷۵ لغایت ۱۳۸۴ حدود ۳۷/۴ درصد از ارزش افزوده کل اقتصاد توسط نهاد خانوار تولید شده است. در همین مطالعه آمده است که سهم خانوار در ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد ایران در سالهای ۲۰۰۴-۱۹۹۶ به طور متوسط ۴۲/۲ درصد بود. این در حالی است که این سهم در کشور نروژ ۱۱/۶ درصد است. بالا بودن این سهم در اقتصاد ایران در مقایسه با برخی از کشورهای یکی از موانع و تنگناهای تولید

۱- برای اطلاعات بیشتر به گزارش «ارزیابی اقدامات و بخشنامه‌های بانک مرکزی در حوزه ارزی، فروردین ماه سال ۱۳۹۰ لغایت مهرماه سال ۱۳۹۱» که در آبان ماه سال ۱۳۹۱ با شماره مسلسل ۱۲۶۶۱ در مرکز پژوهشهای مجلس منتشر شده است، مراجعه شود.

و مانع رشد ارزش افزوده در کل اقتصاد است. ریشه این وضعیت در تأثیرپذیری فعالیتهای اقتصادی از سرمایه اجتماعی است. در تحلیل این وضعیت، "فوکویاما معتقد است که در جوامعی که بنا بدلایلی اعتماد مردم نسبت به یکدیگر کم است، آنها از یکدیگر می‌هراسند و از هم دور می‌شوند. لذا در چنین جوامعی تنها محفل امن برای فعالیتهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری، حیطه خانواده و آشنایان است."^۱

بطور کلی در اقتصاد ایران مجموعه عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی حاکم بگونه‌ای بود که همواره ترس از مشارکت و همکاری در میان مردم رواج یافته و مردم برای گریز از ضرر و زیان حاصل از این بی‌اعتمادی ترجیح می‌دهند فعالیتهای اقتصادی عدم گسترش و افول شرکتهای اقتصادی در ایران شود.^۲

مطالعات نشان می‌دهد که جوامع توسعه‌یافته برای تحقق اهداف توسعه‌ای خود ابتدا به ظرفیتهای و توانمندیهای درونی خود متمرکز شدند و آنها را گونه‌ای توسعه‌یافته برای تحقق اهداف توسعه‌ای خود ابتدا به ظرفیتهای و توانمندیهای سرعتی مناسب به سوی اهداف متصور خود حرکت نمایند. این وضعیت در ایران به گونه دیگری است. مصداق بارز این موضوع فرار نیروی انسانی متخصص و تحصیلکرده از کشور است. در این مورد خوب است که بدانیم به طور متوسط سالیانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر نیروی انسانی تحصیلکرده و متخصص از کشور خارج و در کشورهای اروپایی، آمریکا، کانادا و استرالیا مشغول به کار می‌شوند. خروج سالیانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی معادل خروج ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور است که بدون کمترین هزینه در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

آمار دیگر نشان می‌دهد که میزان سرمایه مالی ایرانیان خارج از کشور در سال ۱۳۸۶ بیش از ۱۳۰۰ میلیارد دلار و ثروت ایرانیان مقیم آمریکا به تنهایی بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. علاوه بر این بیش از ۶۵۰۰ شرکت و ۱۰ هزار دانشجوی ایرانی در دویی حضور دارند و بیش از ۱۴۰۰ ایرانی در بورس دویی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آمار دیگری می‌گوید ایرانیان خارج از کشور ۴ هزار میلیارد دلار سرمایه در اختیار دارند و در حدود ۵ میلیون ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند که اکثر آنها نیروی انسانی خلاق، کارآفرین و صاحب تفکر هستند که در بخش خصوصی مشغول فعالیت هستند. با این آمار می‌توان اینگونه محاسبه کرد که هر ایرانی خارج از کشور به طور متوسط ۸۰۰ هزار دلار سرمایه در اختیار دارد.

از طرف دیگر بر اساس گزارش مؤسسه تامسون رویتر، ۲۴ استاد ایرانی در فهرست ۳۲۰۰ دانشمند برجسته جهان قرار دارند که ۱۰ نفر در داخل کشور، ۱۲ نفر در آمریکا، یک نفر در کانادا و یک نفر در انگلستان هستند

^۱ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. "سازماندهی تولید" سال ۱۳۸۸

^۲ - همان

و حدود ۱۲ هزار ایرانی برجسته در خارج کشور ساکن هستند. حدود ۲۵ درصد ایرانیان تحصیلکرده هم‌اکنون در کشورهای توسعه‌یافته زندگی می‌کنند و ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته جهان مقام اول را آن خود کرده است. از مجموع ۱۰۰ هزار ایرانی در آلمان در سالهای گذشته ۲ هزار جلد کتاب منتشر شده است، این در حالی است که از بین ۲ میلیون ترک مهاجر مستقیم آلمان تنها ۱۰۰ جلد کتاب منتشر شده است. در سالهای گذشته ۹۰ نفر از ۱۲۵ دانش‌آموزی که در المپیادهای جهانی رتبه کسب کرده‌اند، هم‌اکنون در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل یا تدریس می‌کنند. بسیاری از آنان هرگز به ایران برای زندگی دائمی بر نمی‌گرداند. مضاف بر این که مطابق آمار صندوق بین‌المللی پول هم‌اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کنند و مطابق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال ۱۳۸۷ روزانه ۱۵ کارشناس ارشد، ۲/۳ دکتری و سالیانه ۵۴۷۵ نفر لیسانس از کشور مهاجرت کردند. گزارش صندوق بین‌المللی پول در ادامه می‌افزاید که بیش از ۱۵ درصد سرمایه‌های انسانی ایران به آمریکا و ۲۵ درصد به کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا مهاجرت می‌کنند.

حال جای سؤال دارد که در کشور قانون جذب سرمایه‌گذاری خارجی وضع شده و بر اساس آن بدنبال این هستیم که از خارج سرمایه جذب کنیم و غافل از اینکه چه سرمایه‌های ارزشمندی از کشور خارج شدند و یا در حال خارج شدن هستند. آیا وقت آن نرسیده است که با اتخاذ مکانیسم‌های مناسب بدنبال این باشیم که اینها از کشور خارج نشوند؟ چه چیزی باعث شده است که کشور از چنین سرمایه‌های عظیمی تهی شود؟ آیا واقعاً با این شیوه تفکر ایران می‌تواند پابرجا بماند؟ نباید در برخی از رویکردهای مدیریتی در کشور تجدیدنظر کرد؟

بررسی‌هایی که در سالیان گذشته و در سالهای اخیر انجام شده است نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور بسیار نامناسب است. این وضعیت از آن جهت مورد توجه قرار گرفته است که بسیاری از تئوریهای اقتصادی و نظریه‌پردازان علوم انسانی به طور عام و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که میان توسعه اقتصادی متغیرهای مربوط به سرمایه اجتماعی همبستگی بسیار شدیدی وجود دارد زیرا خانوار، دولت و بنگاه که همان کارگزاران اقتصادی هستند بر اساس میزان اعتماد متقابل و سرمایه اجتماعی به تعامل پویا و مبادله با یکدیگر می‌پردازند و در چارچوب این مبادلات است که بسترهای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی از طریق اثرگذاری بر رفتار کارگزاران اقتصادی، توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در

خصوصاً اهمیت نقش سرمایه اجتماعی بد نیست به این نظریه فرانسیس فوکویاما اشاره شود که "تفاوت کشورها به لحاظ ساختار صنعتی‌شان بیش از آنکه به سطح توسعه آنها ربط داشته باشد به سرمایه اجتماعی آنها یعنی میزان اعتمادورزی افراد یک جامعه به یکدیگر و نیز مشارکت آنها در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهروندی بستگی دارد."^۱

برای آگاهی از وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، در یکی از گزارشهای بانک مرکزی اینگونه آمده است:^۲ میزان اعتماد اجتماعی افراد از حدود ۵۰ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش یافته است. این وضعیت در مقایسه با روندهای مشاهده شده در سایر کشورهای جهان، میزان افول اعتماد اجتماعی در ایران، در فاصله نسبتاً کوتاه، بسیار زیاد و قابل تأمل است.^۳

اما در خصوص آخرین وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، گزارشی در سال ۱۳۹۳ در مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی منتشر شد که در این گزارش نتایج زیر بدست آمده است:^۴

یافته‌های حاصل از پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در ایران در سال ۱۳۸۶ با حجم نمونه ۱۲۰۰۰ نفر تایید می‌کند که اعتماد به برخی نهادهای رسمی در اغلب موارد کمتر از ۵۰ درصد است. برای مثال اعتماد به دولت ۴۷/۷ درصد، اعتماد به مجلس و دادگاه‌ها ۴۳/۳ درصد، اعتماد به شورای نگهبان ۴۲ درصد، اعتماد به مجمع تشخیص مصلحت نظام ۴۲/۲ درصد و اعتماد به دادگستری و دادگاه‌ها ۴۳/۳ درصد است.

در بخش دیگری از این مطالعه آمده است که در مجموع، داده‌ها و آمارهای موجود همگی بیان‌کننده سطح نازل عواملی حکایت می‌کند که در تحقیق موردنظر به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی معرفی شده‌اند. البته گزارشهای مؤسسات بین‌المللی نیز مؤید این وضع است. زیرا ایران از نظر سرمایه اجتماعی در میان ۱۴۲ کشور در سال ۱۳۸۸ در رتبه ۸۲، در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به ترتیب در رتبه ۱۰۶ و ۱۰۷ و در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب رتبه‌های ۱۲۱ و ۱۲۰ قرار گرفته است و در گزارش سال ۱۳۹۲ ایران در منطقه قرمز رنگ یعنی جزء کشورهای دارای سرمایه اجتماعی اندک قرار گرفته است.

در ادامه این مطالعه این چنین آمده است.

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. سازماندهی تولید. سال ۱۳۸۸

۲- همان

۳- همان

۴- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. گزارش بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب و کار ایران (با تأکید بر نقش قوه مقننه)،

شماره مسلسل ۱۴۰۳۷

بررسی ما نشان داد که هرچند هنوز حوزه‌های اجتماعی را می‌توان یافت-مانند درون خانواده-که در آنها شاخص اعتماد، دارای وضعیت مطلوبی است، اما به محض خارج شدن از حوزه خانواده، یا افت شدید اعتماد روبرو هستیم که نشان از کاهش ذخایر سرمایه اجتماعی است. همچنین مشاهده کردیم که اعتماد مردم به گروه-های مختلف اجتماعی، طیف بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود و تقریباً از بی‌اعتمادی شدید(نسبت به بنگاهداران و تجار و بازاریان) تا اعتماد کامل (به معلمان و استادان دانشگاه) را در بر می‌گیرد. در عین حال، گروه‌های بسیار مهم و تأثیرگذار اجتماعی (مانند سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و قضات) مورد کم‌اعتمادی عموم مردم قرار دارند.

مجموعه داده‌های مربوط به اعتماد، زمانی نگران‌کننده می‌شوند که به داده‌های مربوط به باور مردم به افت ارزش‌های اجتماعی و گسترش ضدازش‌ها در جامعه مراجعه کنیم. در کنارهم قرارگرفتن این دو مجموعه ارقام، به روشنی از وجود بی‌اعتمادی گسترده در جامعه حکایت می‌کند. به نظر تحلیلگران (Arrow, 1974:26)، یکی از مشخصه‌های آشکار جوامعی که به لحاظ توسعه اقتصادی عقب مانده‌اند و محیط مناسبی برای فعالیت اقتصادی و موفقیت کسب‌وکارها ندارند، فقدان اعتماد متقابل است. این مؤلفه، آنچنان از اهمیت برخوردار است که به گونه‌ای کاملاً ملموس، منجر به زیان اقتصادی برای این کشورها شده است و به اداره خوب نظام سیاسی (حکمرانی خوب) آنها ضربه زده است.

شاخص روابط اجتماعی نیز از وضعیت خوبی در ایران برخوردار نیست. به گفته شهروندان نمونه آماری در پیمایش ۶ مرکز استان، شهروندان در مرکز این استان‌ها، در تماس بودن با دیگران را امری مطلوب نمی‌دانند. حدود ۷۰ درصد شهروندان دارای ارتباطات اجتماعی ضعیفی هستند که این امر به افت شدید سرمایه اجتماعی در این شهرها منجر شده است. رفتارهای نوع‌دوستانه، به عنوان سومین شاخص سرمایه اجتماعی، از وضعیت خوبی برخوردار نیست. بیش از ۹۲ درصد مردم خیلی کم در فعالیتهای نوع‌دوستانه شرکت می‌کنند. سرمایه اجتماعی، کالایی است عمومی که با فعالیتهای نوع‌دوستانه افراد در مجامع عمومی تولید و تقویت می‌شود. با وجود اینکه در فرهنگ ایرانی، پیام‌های اخلاقی زیادی درباره تشویق افراد به شرکت در فعالیتهای نوع‌دوستانه، وجود دارد، اما آمارهای موجود حکایت از ضعف شدید این جنبه از سرمایه اجتماعی در ایران دارد.

در مورد مشارکت اجتماعی نیز این نتیجه به دست آمد که سطح مشارکت اجتماعی بسیار پایین است. به رغم میل شدید افراد به مشارکت (نظرسنجی در مراکز استان‌ها)، اکثریت افراد بر این باورند که نقش کمی در



تصمیم‌گیری‌ها دارند یا اصلاً نقشی ندارند. جنبه دیگری از مشارکت اجتماعی، تمایل به سرمایه‌گذاری به صورت دسته‌جمعی است که این زیرشاخص نیز در کشور، با وضعیت نامناسبی روبرو است؛ زیرا ۸۹ درصد افراد مایل به سرمایه‌گذاری‌های فردی هستند. عضویت در نهادهای مدنی، به عنوان سومین زیرشاخص مشارکت اجتماعی نیز در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ زیرا با وجود مذهبی بودن اکثریت مردم و با وجود قرار گرفتن هیئتهای مذهبی در رأس انجمن‌های مدنی مورد توجه مردم، تنها ۳۷/۵ درصد افراد به عضویت این تشکلهای درآمده با تمایل به عضویت در آن دارند، نهادهای مدنی مدرن نیزچندان مورد توجه مردم قرار نگرفته‌اند. نکته مهم، قرار گرفتن احزاب و گروه‌های سیاسی در مرتبه آخر جدول است. این به معنای تشکلهای گریزی جامعه در ایران است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، میان وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و وضعیت محیط کسب‌وکار نیز دارای وضعیت نامناسبی باشد. برای مثال، داده‌های مربوط به وضعیت محیط کسب‌وکار ایران در گزارش «انجام کسب‌وکار» نیز دقیقاً همین واقعیت را نشان می‌دهند. داده‌های گزارش مذکور بیانگر آن است که ایران از ۱۰ شاخص انجام کسب‌وکار، در ۴ شاخص رتبه ۱۵۰ و بالاتر، در ۳ شاخص رتبه بالاتر از ۱۲۵، در ۲ شاخص رتبه بالاتر از ۸۰ و تنها در ۱ شاخص رتبه بالاتر از ۵۰ دارد. در مجموع، ایران در هیچ‌کدام از شاخص‌های انجام کسب‌وکار دارای رتبه مطلوبی نیست. نگاهی به داده‌های سری زمانی از سال ۲۰۱۱ (۱۳۸۹) تا ۲۰۱۴ (۱۳۹۲) نیز نشان‌دهنده نزول شاخص‌های محیط کسب‌وکار در ایران دارد.

جدول ۳۰. رتبه ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار و نماگرهای آن در سال‌های اخیر

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
شروع کسب‌وکار	۴۳	۵۰	۸۷	۱۰۷
کسب مجوز ساخت‌وساز	۱۶۲	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۹
دسترسی به انرژی الکتریکی	-	۱۶۴	۱۶۳	۱۶۹
ثبت مالکیت	۱۵۹	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۸
دریافت اعتبار	۹۶	۹۷	۸۳	۸۶
حمایت از سهامداران خرد	۱۶۶	۱۶۷	۱۵۰	۱۴۷
پرداخت مالیات	۱۱۸	۱۲۵	۱۲۹	۱۳۹
تجارت خارجی	۱۳۱	۱۳۹	۱۴۳	۱۵۳
اجرای قراردادها	۴۸	۵۴	۵۳	۵۱
حل‌وفصل ورشکستگی	۱۱۷	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۹



۱۵۲	۱۴۵	۱۴۴	۱۴۰	رتبه کلی
۱۸۹	۱۸۵	۱۸۳	۱۸۳	تعداد کشورها

مأخذ: وضعیت ایران در گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی، ۱۳۹۲، ص ۲.

داده‌های این جدول نیز نشان می‌دهند که کشور ما نه تنها در هیچ‌کدام از شاخص‌های محیط کسب و کار جایگاه مناسبی ندارد، بلکه از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۲ نیز تقریباً اغلب این شاخص‌ها با افول رتبه مواجه شده و وضعیت محیط کسب و کار در کشور بدتر شده است. این داده‌ها نشان می‌دهند که نهادهای دولتی باید به سرعت در زمینه بهبود محیط کسب و کار اقدام کنند.

نتیجه‌گیری:

ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه به لحاظ سیاسی و اقتصادی ورود به شرایط جدید را زودتر آغاز کرده است. اما متأسفانه در حال حاضر به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و... وضعیت بی‌ثباتی را نسبت به اینگونه کشورها دارد. نرخ رشد اقتصادی پرنوسان و روند کاهش آن در بیش از ۵۰ سال اخیر گواه این واقعیت است.

مطالعات نشان می‌دهد که در یک قرن گذشته از حکومت باثباتی برخوردار نبوده است و توزیع قدرت و ثروت در ایران نابرابر بود و برخی از خطیبان اینگونه وانمود می‌کردند که این تقسیمات را خداوند مقرر داشته است. سیر تاریخی صنعتی شدن در ایران حکایت از این واقعیت دارد که با ایجاد کارخانه‌ها توسط دولت و با استفاده از منابع بانکی آغاز شد و این باعث گردید که بازارهای مالی دیگر نتواند برای حرکت در این مسیر ورود پیدا کند. در کنار این دو، در دهه اول و دوم قرن حاضر، حکومت برای جبران کسری بودجه به انتشار اسکناس متوصل شد و متأسفانه هنوز بر این روش تأکید می‌شود. از همین زمان انحصار دولت، شرکت‌های دولتی و حاکمیت بر توسعه صنعت متولی گردید و این رویه همچنان وجود دارد و در حال حاضر نیز همانند ابتدای قرن حاضر به بخش خصوصی اجازه ورود داده نشود. ورود نفت به اقتصاد ایران از ابتدای سده ۱۳۰۰ باعث گردید که ساختار اقتصاد کشور بجای اتکاء به مالیات و درآمدهای مالیات، به درآمدهای نفتی متکی شود. این رویکرد، وابستگی دولت را به انجام فعالیتهای اقتصادی توسط بخش خصوصی بی‌نیاز کرد. اینها بخشی از ساختار اقتصاد ایران تا زمان وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ بود.

همزمان با وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ تاکنون، تلاشهای جدی برای تغییر این وضعیت صورت نگرفته است و حتی در برخی از مقاطع، عملکردها به گونه‌ای بوده است که وجه قالب اقتصاد، حاکمیت دولت و شبه‌دولتی بر فعالیتهای اقتصادی بود.

در ابتدای انقلاب اسلامی، برخی حرکت‌های رادیکال در فضای سیاسی و اقتصادی کشور باعث گردید، بخش خصوصی که بعضاً ایجادشده بود از بین بروند و به نهادهایی سپرده شوند که حاصل تلاش آنها، جزء ناکارایی و ورشکستگی این شرکت‌ها نبوده است. به عنوان مثال از سال ۱۳۵۷ لغایت سال ۱۳۶۶ حدود ۵۰۰ شرکت تحت پوشش بنیاد مستضعفان قرار گرفت و این بنیاد از پرداخت مالیات معاف شد.

دخالت دولت در مدیریت نهادهای مرتبط با بخش خصوصی بیشتر شد، مدیریت واحدهای تولیدی، صنعتی، تجاری، کشاورزی و خدماتی به دولت سپرده شد و...

مجموع این اقدامات باعث شد تا خصوصی زدایی در کشور انجام شود و جریان دولتی کردن فعالیتهای اقتصادی با سرعت هرچه بیشتر پیگیری نشود. لذا از سال ۱۳۶۷ تفکر و جریانی در کشور بوجود آمد که هیچ اعتقادی به بخش خصوصی نداشتند و اصلاً سرمایه، سرمایه‌گذاری ثروت و ثروت‌اندوزی را امری مذبح و منفور می‌دانستند.

وقوع جنگ تحمیلی باعث گردید که در دهه اول انقلاب، کشور تمام تلاش خود را بر مدیریت جنگ تمرکز کردند. مجموع این شرایط باعث گردید که تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۶۰ به میزان ۲۸ درصد کمتر از سال ۱۳۶۵ باشد و در سال ۱۳۷۱ یعنی ۱۵ سال بعد از انقلاب تولید ناخالص داخلی کشور به سطح قبل از انقلاب برگشت. این در حالی است که به جمعیت کشور ۲۱/۵ میلیون نفر اضافه شد. این نشان از این واقعیت دارد که مسئولان نگاه جامع به مسائل کشور نداشتند و راه برون‌رفت کشور از مشکلات را در ازیاد جمعیت خلاصه می‌کردند. ناهماهنگی و نداشتن نگاه جامع در ارائه راهکار برای حل مشکلات کشور یکی از ویژگیهای اصلی دولتها از سال ۱۳۵۷ تاکنون است که این میراث از ابتدا در ایران و از وقتی که کشور تلاش کرد تا از ابزارهای مدرن اقتصادی و سیاسی برای پیشرفت کشور استفاده نماید، بوجود آمد و همچنان پابرجاست. در واقع سرکلید سال اخیر اینگونه برنامه‌ریزی شد که فقط از طریق اصلاحات اقتصادی و سپردن آن در دست بخش خصوصی، بقیه امور از طریق حاکمیت و دولت اداره شود. در واقع در این دوران چند ویژگی در کشور برجسته است:

- ۱- خصوصی‌زدایی بشدت پیگیری شد.
- ۲- اهمیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای کارآفرینان و فعالان اقتصادی از بین رفت.
- ۳- سرمایه‌ها از بخش مولد به بخشهای غیرمولد تغییر مسیر داد.
- ۴- کسری بودجه افزایش یافت.
- ۵- اتکاء دولت به بانک مرکزی بدلیل محدودیتهای قانونی و سیاسی مربوط به عدم دسترسی بازارهای بین‌المللی بیشتر شد.
- ۶- جمعیت کشور چند برابر شد.

۷- بدنه بخش دولتی گسترش پیدا کرد.

۸- کارایی در اقتصاد کاهش یافت و اتلاف منابع بیشتر شد.

با وجود این مشکلات، از سال ۱۳۸۴ فصل جدیدی در اقتصاد و سیاست کشور آغاز شد و برخی از ساختار نهادی اقتصاد ایران بدلیل انحلال بعضی از نهادها تغییر کرد و در فضای نبود چنین نهادهایی ناکارایی در عرصه اقتصاد ایران تشدید شد. همزمان با این تصمیمات در عرصه داخلی، در فضای بین‌المللی تحریم‌های اعمال شده ناکارایی را در اقتصاد ایران تشدید کرده است و دسترسی ایران به بازارهای جهانی و مشارکت در تجارت بین‌المللی را با محدودیت بیشتری مواجه کرده است و فضای کسب‌وکار کشور از وضعیت بسیار بدی برخوردار شوند.

آنچه که در دو گزارش تهیه شده آمده است، حکایت از این واقعیت دارد که اقتصاد ایران بیش از آنکه تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گیرد، از ساختار نامناسب کشور در عرصه‌های مختلف آسیب دیده است. اما نباید این واقعیت را انکار کرد که تحریم بدون تأثیر بود. در واقع تحریم باعث شد که بدلیل آن ناکارایی‌ها، وضع بد اقتصاد کشور بدتر شود. مطالب این گزارشها نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در دوران قبل از تحریم نیز از وضعیت باثباتی برخوردار نبود و بدلیل وجود آن ساختارهای نامناسب، پتانسیل‌های کشور بلااستفاده باقی ماندند. زیر در نمودار نرخ رشدی که در گزارش ارائه شده است، اقتصاد ایران نرخ رشد دورقمی در حدود ۱۷ و ۱۸ درصد را در یک بازه‌های زمانی تجربه کرده است که این نرخ رشد به تاریخ پیوسته است و از آن پس چنین ارقامی محقق نشده است. بنابراین پیش از آن که همه ناکارایی‌ها را بر دوش تحریم محول کنیم باید بدنبال این باشیم تا عامل ناکارایی اقتصاد در داخل کشور که در عرصه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ریشه دارند را بیابیم و برای آن راه‌حل ارائه کنیم.

با توجه به سابقه‌ای که از عملکرد اقتصاد ایران وجود دارد و عملکرد متوسط نرخ رشد اقتصادی ۳ درصد در ۳۷ سال اخیر، با رفع تحریم‌ها و رویکرد کنونی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی وضعیت اقتصاد کشور در شرایط خوشبینانه و در یک بازه زمانی میان‌مدت، نرخ‌های رشد حداکثر ۸ درصدی را پشت سر خواهد گذاشت.

اما اگر کشور بخواهد شرایط بهتری را برای مردم فراهم کند، در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باید فضای تعاملی را در پیش بگیرد. به نظر می‌آید با توجه به نمودار نرخ رشد ارائه شده در گزارش، زمانی که ایران



توانست در یک فضای تعاملی با دنیا و حرکت کردن در مسیر تئوری تقسیم کار بین‌المللی، به نرخ‌های رشد ۱۶ الی ۱۸ درصدی را نیز تجربه کند. لذا این که پس از لغو تحریم‌ها، ایران چه رویکردی را با دنیا منطقه اتخاذ نماید و یا اینکه در عرصه داخلی چه برنامه‌هایی را برای سیاست و فرهنگ دارد، در میزان موفقیت کشور در دوران پس از تحریم نقش‌آفرین است.

در عرصه داخلی باید انسجام لازم در نهاد حاکمیت بوجود آید و در خصوص برخی مفاهیم نظیر توسعه، منابع ملی و... فهم مشترکی حاصل شود. زیرا اقتصاددانان معتقدند تخصیصی شدن نیروی کار، سرمایه‌گذاری، پیشرفت تکنولوژیکی، ثبات در اقتصاد کلان، حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، شفافیت و عملکرد مطلوب نهادها، کیفیت نهادهای دولتی و... عوامل تعیین‌کننده ثروت هستند. حال سؤال این است که اینها به عملکرد عرصه‌های داخلی کشور اشاره دارند، آیا در ایران از وضعیت خوبی برخوردار هستند؟

پاسخ این سؤال به قضاوت خوانندگان سپرده می‌شود. لذا پس از لغو تحریم‌ها باید ساختار کشور به گونه‌ای اصلاح شود که این متغیرها بهبود پیدا کنند و یا بسترهایی فراهم گردد که اینها در مسیر بهبود قرار گیرند و این به برنامه‌ای بلندمدت و حداقل ۲۰ سال زمان نیاز دارد.

منابع و مأخذ:

منابع و مأخذ مورد استفاده در این گزارش در پاورقی‌ها ذکر شده و سایر منابع نیز در انجمن مدیران صنایع موجود است.